

## الگوهای گسترش کالبدی شهر در سده‌های میانه تاریخ ایران

\* شهرام یوسفی فر  
پژوهشگاه علوم انسانی

### چکیده

مطالعه الگوهای رشد کالبد و فضاهاى شهری در دوره سده‌های میانه و تحلیل ارتباط آن تحولات با تغییرات اجتماعى - اقتصادى که در شهرها رخ می‌داد، امکان بازشناسى و تبیین نقش نیروهای اجتماعى در زندگى شهری و نیز فرایند بروز تغییر در شکل شهرها را فراهم می‌آورد. بر این اساس، رشد و گسترش شکل شهر به مانند انعکاسى از مراحل انکشاف و تغییرات اجتماعى درون شهرها محسوب می‌شود. در مطالعه حاضر، موضوع علل بروز تغییرات در الگوی کالبدی و شکلی شهر ایرانی مورد بررسی قرار گرفته، این تغییرات با عنایت به دو دسته عوامل بیرونی (حکومت، اراده نخبگان سیاسى - ادارى شهری و...) و عوامل درونی (رشد مناسبات اقتصادى و اجتماعى شهری) مورد ارزیابى قرار می‌گیرد. مسئله پژوهش گفتار حاضر چنین است: تحولات و تغییراتى که در مناسبات شهری ایران روی می‌داد؛ تا چه میزان از تغییر شرایط درونى، یعنى ناشى از رشد و تکامل مناسبات اقتصادى - اجتماعى شهری؛ و تا چه میزان از شرایط و عوامل تأثیرگذار بیرونى، که بر زندگى اجتماعى - اقتصادى شهری مؤثر بودند، تأثیر می‌پذیرفت؟

کلیدواژه‌ها: تاریخ ایران، قرون میانه، شهرنشینی، شکل شهر، محله، روض، بازار، کهن دژ، فضای شهری، کالبد شهری، موقوفات شهری.

### The Spreading Patterns of Iranian Towns in Middle Ages

Shahram Yousefi Far, Ph.D.  
Assistant Professor, Department of History  
Research Centre in Human Sciences

#### Abstract

Studying the paradigms of growing city spaces and shapes during the middle ages and analyzing the relation of that with socio-economic changes which occurred in cities make it possible to recognize the role of social forces in civil life and also the process of changing in town forms. According to this, expanding the form of city is like a reflection of social changes of inner cities. In this article, the reasons of changes in the shape of Iranian city is surveyed and these changes will be studied by attending to inner and outer factors. The question is: How much would the changes which happened in city relations of Iran be affected by changing of inner conditions and growing of city socio-economic relation and how much would be affected by outer reasons and condition that influence socio-economic city life?

Keywords: Saljuqid, urbanism, city space, middle ages, town forms, socio-economic history.

\* دکترای تاریخ از دانشگاه شهید بهشتی، استادیار پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

## مقدمه

بدون تردید برای مطالعه ابعاد مختلف زندگی سیاسی - اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر شهر، به انبوهی از اطلاعات و داده‌های گوناگون نیاز داریم که با اتکا به آن مستندات، تحلیل و ارزیابی درخوری از مناسبات شهری ادوار گوناگون تاریخ ایران را به دست داد. مرور اجمالی عناوین کتاب‌هایی که در مورد تاریخ شهرهای ایران به نگارش درآمده‌اند، چنین می‌نمایند که محققان علاقه‌مند به مطالعه تاریخ شهر در ایران، با منابع غنی و اطلاعات وافر در این خصوص روبه‌رو هستند. در حالی که واری داده‌های موجود در کتاب‌های مورد نظر حکایت از آن دارد که اطلاعات موجود در تواریخ شهری، متأثر از رویکرد و علایق مؤلفان این‌گونه کتب، بر آن بوده‌اند که در باب موضوعاتی چون شرح حال معارف دینی و سیاسی، مقابر اولیا و مشایخ، ذکر بناهای مهم و نظایر این‌ها اطلاعاتی را جمع‌آوری و مدون نمایند. در حالی که برای مطالعه و تحقیق در مورد ابعاد گوناگون زندگی شهرهای تاریخی ایران، از جمله سیر تحولات کالبدی و فضاهای مختلف آن، تغییرات اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی شهر نظایر این موضوعات مهم، نیازمند داده‌ها و اطلاعات وسیع و متفاوت با آنچه در کتب معروف تاریخ شهرها وجود دارد، هستیم.

با آن که کاوش‌های باستان‌شناسان و تحقیقات صاحب‌نظران رشته معماری و شهرسازی برخی اطلاعات مهم و ارزشمند در باب ویژگی فضا و کالبد شهرهای گذشته در اختیار علاقه‌مند می‌گذارد، اما فهم و تحلیل مناسبات شهری در ادوار تاریخی نیازمند آن است که گستره مختلف و متنوعی از داده‌ها و اطلاعات در اختیار باشد، تا مبنای تحقیقات پایه‌ای و محکم در خصوص شهرهای تاریخی ایران قرار گیرند.

بدون تردید لازم است برای فراهم‌آوری اطلاعات مورد نیاز پژوهش‌های دقیق در مورد زندگی تاریخی شهرهای ایران، از روش‌های کارآمد و مطمئنی که برای مطالعه زوایای مختلف زندگی شهری تعریف شده و به کار گرفته می‌شود، بهره‌برداری کرد. کاریست چنین رویکردی سبب می‌گردد اطلاعات موجود در منابع تاریخ شهرها و سایر منابع تاریخی، قابلیت تفسیر و تأویل موضوعی پیدا نموده‌گونه‌های جدیدی از استنباط‌های تاریخی در اختیار محققان قرار گیرد.

در گفتار حاضر، با تکیه بر روش مطالعه «ریخت شهر»، برخی ملاحظات درباب اشکال مختلف رشد کالبد و فضای شهری در سده‌های میانه و ارتباط آن تحولات با تغییرات اجتماعی - اقتصادی شهرها، مطرح می‌گردد.

روش مطالعه ریخت (morph) شهر به مانند روشی کارآمد در تحلیل و ارزیابی فضاهای شهری و فهم مناسبات اقتصادی - اجتماعی مسلط در ادوار مختلف جامعه شهری در نظر گرفته می‌شود. کاربرست این روش، به ویژه برای مطالعه تاریخی آن دسته از شهرهایی که اطلاعات و گزارش‌های اندکی درباره مناسبات اجتماعی آن‌ها در اختیار است، سودهای بسیاری در بردارد. از طریق مطالعه ریخت شهر، بررسی عمیق‌تر موضوع‌های مختلف امکان‌پذیر می‌گردد؛ زیرا مطالعه و تحلیل عناصر کالبدی ویژه و اصلی که در ریخت یک شهر وجود داشته یا دارد، امکان بازشناسی و تبیین نقش نیروهای اجتماعی در زندگی شهری و بروز تغییر در شکل شهرها را فراهم می‌نماید؛ که براساس آن شناسایی و تبیین گرایش‌های اجتماعی - اقتصادی که در ایجاد تحول در جامعه شهری مؤثر واقع می‌شدند، امکان‌پذیر می‌گردد. در این زمینه، شهر از منظر روند سامان‌یابی شکلی، در سه دوره مطالعه می‌شود: «تکوین تاریخی شهر؛ الگویابی و شکل‌گیری کالبدی (دوره شکل‌گیری خیابان‌ها، راه‌ها و ظهور استخوان‌بندی شهر)؛ پیکربندی (ظاهر شدن مشخصات ریخت‌شناسانه شهر، روشن شدن رابطه بین کارکرد با ریخت‌شناسی شهر)» (ر.ک: شکوهی 1380: 264)، مطالعه تکوین تاریخی شهر روند گسترش و تغییر شکل شهرها را که براساس عوامل درونی یا بیرونی رخ می‌داد، نشان می‌داد؛ زیرا رشد و گسترش شکل شهر چون از یک سو به مانند انعکاسی از مراحل انکشاف و تغییرات اجتماعی درون شهرها محسوب شده و از سوی دیگر، تحت تأثیر دخالت عوامل بیرونی قرار دارد. مطالعه این موضوع امکان فهم و بررسی شرایط استمرار کارکردهای متفاوت شهر و شیوه سازگار شدن آن‌ها با شرایط جدید، افزایش کارکردهای تازه بر کارکردهای قبلی یا فروگذاری برخی کارکردها، در نزد شهرها را عملی می‌سازد. به همین ترتیب از طریق مطالعه تغییرات بافت و کالبد شهر می‌توان ادوار تاریخی رشد و توسعه شهر یا انحطاط و ضعف آن را تشخیص داد و براساس یافته‌های آن در مورد عوامل دست‌اندرکار توسعه و تکامل شهرها یا عوامل مؤثر در انحطاط وضعیت شهری در ایران را شناسایی کرد، به تحلیل و ارزیابی آن‌ها پرداخت.

در پژوهش حاضر، ابتدا برخی از زوایای تحولات رخ داده در شکل شهرهای ایران در سده‌های میانه مورد بررسی قرار می‌گیرد و در ادامه ارزیابی از نقش عوامل بیرونی و درونی مؤثر در ایجاد تغییرات اجتماعی و شکلی در شهر سده‌های میانه به‌دست داده خواهد شد. به نظر می‌رسد نتایج این بحث افزون بر آن که زمینه‌های ضروری برای فهم مناسبات

شهرنشینی در سده‌های میانه را تعمیق می‌بخشد، میزان کارایی روش‌های معمول در بررسی و ارزیابی مناسبات شهرنشینی در مورد شهرهای کهن ایران را نیز در معرض آزمون جدی قرار می‌دهد.

### ملاحظات آغازین

در پژوهش حاضر مسأله مورد نظر به این شرح مطرح شده است که تحولات و تغییراتی که در مناسبات شهری ایران روی می‌داد، تا چه میزان از تغییر شرایط درونی، یعنی ناشی از رشد و تکامل مناسبات اقتصادی - اجتماعی شهری، بود و تا چه میزان از شرایط و عوامل تأثیرگذار بیرونی، که بر زندگی اجتماعی - اقتصادی شهری اثرگذار بودند، تأثیر می‌پذیرفت؟ براساس چنین رویکردی به موضوع، می‌توان پرسید که: مهم‌ترین علت‌های بروز تغییرات در کالبد شهر قرون میانه چه بودند؟ آیا بروز تحول در شکل شهر را می‌توان به معنای وقوع تحول در مناسبات جامعه شهری دانست؟ برای آن که این مسأله مورد پژوهش قرار گیرد، ضمن بررسی عوامل مؤثر در رشد و گسترش شکل شهرهای ایران در سده‌های میانه، الگوهای مختلفی را که در این روند وجود داشتند، مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌دهیم.

### الف - بنیان‌گذاری محله

مفهوم محله و ویژگی‌های تاریخی و سازمانی آن در شهرهای ایران، موضوع بحث مستقل و گسترده‌ای است که تاکنون از منظر تاریخ شهری به آن پرداخته نشده است (بررسی برخی خطوط کلی این موضوع، در: ضیاءتوانا 1370: 173 - 199).

وقوع تحولات سیاسی - اجتماعی یا شتاب گرفتن روند رشد مناسبات اجتماعی - اقتصادی در شهرها سبب می‌گردد بر شمار نفوس شهر، یا حجم فعالیت‌ها افزوده گردد که خود این امر نیاز به فضاهای کالبدی و زیستی جدید، یا بروز تغییرات در درون کالبد شهر را اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت. در این مواقع، به دلیل موانعی که در برابر ایجاد تغییر در بافت کالبدی شهر (از جمله وجود بناهای وقفی یا موانع حقوقی ناشی از مالکیت مستغلات و نظایر این‌ها، ر.ک: مومنی: 1377)، وجود داشت، یکی از رویه‌های معمول برای حل و فصل چنین مشکلاتی از روش بنیان‌گذاری محله یا محله‌های جدید در منطقه‌ای که در خارج از فضای کالبدی شهر قرار داشت، استفاده می‌شد. سیر برپاسازی محله‌های جدید گاه بنا به اراده

دست‌اندرکاران اجرای برنامه‌های عمران شهری و تابع یک الگوی اندیشیده شده شهری متحقق می‌گردید، یا به صورت روالی خود به خودی و طبیعی منجر به ظهور محله‌ای جدید می‌شد. با عنایت به این که رویه مورد بحث یکی از مهم‌ترین و شایع‌ترین الگوهای گسترش شکلی - کالبدی شهرها به‌شمار می‌رفت، می‌توان از طریق مطالعه و بازشناسی نقش عوامل مؤثر در این روند، وضعیت نیروها و جریان‌های سیاسی - اجتماعی و اقتصادی مؤثر در ایجاد تغییرات شکلی در شهرهای سده‌های میانه را مطالعه نمود. در ادامه، ضمن بررسی روال‌ها و تجربیات مختلف پیدایش محله/ محله‌ها در شهرهای ایران، عوامل درونی و بیرونی مؤثر در این روند را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۱- وقوع جریان تغییرات و تحولات شدید سیاسی که گاه توأم با بروز تغییر در قشر حاکم شهرها بود (به منزله پیامد تغییر حکومت یا سلطه اقوام خارجی بر کشور)، به مانند عاملی مهم در روند پایه‌گذاری محله (یا محله‌های) جدید در شهرها محسوب می‌شد. در این مواقع گروه‌های تازه وارد برای آن که هم قدرت خود را بر شهر و شهریان تحکیم نموده، هم از فرصت اسکان در منطقه شهری برخوردار شوند، چند گزینه در برابر داشتند؛ در بیشتر مواقع حاکمان جدید مرکز و منطقه اصلی شهر را، که مهم‌ترین تأسیسات شهری و نظامی و سیاسی در آن‌جا قرار داشت، برای سکونت برمی‌گزیدند. در این صورت جماعتی که از قبل در منطقه شهری مزبور سکونت یافته بودند، ناگزیر آن‌جا را ترک و در مکان دیگری اسکان می‌گزیدند. در نتیجه، افزون بر آن که محله‌ای جدید در فضایی پیوسته به کالبد اصلی شهر برپا می‌گردید، برخی جنبه‌های کالبد پیشین شهر نیز گسترش می‌یافت. برای نمونه، در پی ورود فاتحان عرب مسلمان به شهر بخارا چنین تجربه‌ای تحقق یافت: قتیبه ابن مسلم پس از آن که شهر بخارا را به تصرف درآورد، دستورهایی را صادر نمود که آن قوم **کشکشان** نیمی از خانه و ضیاع خود را به عرب‌ها مصالحه کرده و به بیرون از شهر بروند و در آن‌جا کوشک‌هایی برای خود بسازند. بعدها در جریان توسعه کالبد شهر، آن منطقه جدید الاحداث جزو منطقه شهری بخارا درآمد (نرشخی 1363: 41 - 42؛ بارتولد 1366 جلد اول: 255).

بروز تغییر در وضعیت فضای شهری، گاه در اثر تهاجم شماری از اقوام (قبیله کوچرو یا جماعات دیگر) مهاجم به سرزمین ایران رخ می‌داد که در جریان آن اقوام مزبور به منزله نیروهای نظامی/ اجتماعی حامی حکمران جدید ناگزیر یا به میل در شهرها اسکان می‌یافتند. ضرورت‌های امنیتی - سیاسی سبب می‌گردید این گروه‌های تازه وارد در منطقه‌ای خارج از

کالبد شهر اسکان داده شوند و فضاهای شهری مناسب برای برآوردن نیازهای آنان برپا شود. جریان استقرار یابی بخشی از جماعات مهاجر یا مهاجم در یک شهر وضعیت ویژه‌ای را به نظام محله‌ای شهرهای ایرانی در سده‌های میانه تحمیل می‌کرد که از آن جمله می‌توان به هویت اجتماعی - فرهنگی به نوبه مستقل برخی محله‌ها در شهرهای ایران اشاره کرد. این امر تأثیرات بسیاری در راستای حفظ بافت اجتماعی جماعات محله‌ای برجای می‌گذاشت.

به هر حال این جریان به سرعت پیدایش محله جدید در شهر را به دنبال داشت. ابن‌خلدون از روند استقرار جماعات صحراگرد در شهرها و نتایج آن در رشد محله‌های جدید شهری، بررسی مفصلی به دست داده است (ابن‌خلدون 1369 جلد اول: 723). در این وضعیت نامی که بر محله جدید گزارده می‌شد، یا جایگزینی مکانی محله‌های مزبور در فضایی واقع در مجاورت شهر و دیگر ویژگی‌ها، حکایت از منشأ سرزمینی یا نژادی مردمان اسکان یافته در آن محله داشت. برای مثال، در شهر نیشابور محله‌ای به نام حیره - در جهت دروازه مرو - وجود داشت که ظاهراً به دلیل آن که پیشینیان ساکنان آن محله از مهاجران حیره کوفه به آن جا آمده بودند، چنین نامیده می‌شد (حاکم نیشابوری 1375: 260؛ اشاراتی به این وضع در عهد مغول، اسپولر 1368: 446).

به جز جریان ورود گروه‌های مهاجم و فاتح به شهرها، وقوع مهاجرت‌های ناگهانی که در اثر بروز جنگ یا مصائب طبیعی و غیره یا مهاجرت‌های کوچک از روستا یا از شهرها به سوی یک شهر صورت می‌پذیرفت، به سرعت بافت و ترکیب جمعیتی شهر را دچار تغییر می‌کرد و مسایل اجتماعی بسیاری را در پی داشت.

از این رو به دلیل وجود چنین مسایلی در شهرهای قرون میانه و ضرورت چاره‌جویی برای آن‌ها مجموعه‌ای از متون، شامل آموزه‌ها و دستورالعمل‌هایی اجرایی و عملی، فراهم آمده بود که به مدیران شهری تعالیمی را در خصوص اسکان‌دهی و مکان‌یابی قبایل و گروه‌های اجتماعی مختلفی که برای اقامت وارد شهرها می‌شدند، ارائه می‌داد. براساس آن آموزه‌ها برای آن‌که از بسیاری مشکلات بعدی چنین تغییراتی پرهیز شود، لازم بود جماعت مزبور در محله‌های خاص و در صورت لزوم با حفظ فاصله از یکدیگر استقرار داده شوند (عثمان 1376: 115 - 116).

2 - گاه به دنبال بروز برخی تغییرات سیاسی، نظام توزیع قدرت سیاسی - نظامی در یک منطقه برهم می‌خورد و تحولات مختلفی در فضا و کالبد شهری به وجود می‌آید. این‌گونه



تحولات به اشکال مختلف بروز می‌کرد؛ گاه پس از آن که یک شهر به عنوان مقر سیاسی حکمران جدید یا عوامل او انتخاب می‌شد کارکردهای جدیدی که شهر براساس ضرورت‌های سیاسی - نظامی ناشی از موقعیت جدید پذیرا می‌گردید، سبب می‌شد عناصر جدیدی کالبد شهری تأسیس گردد (لاپیدوس 1376 جلد اول: 90 - 92). به این ترتیب تغییرات محسوسی در شکل شهر به وجود آمده و به تدریج نظام محله‌ای و ترکیب و شکل شهر تغییر می‌یافت.

در راستای چنین تحولاتی، بیشتر حکامی که به ویژه سررشته حکومت را در پی تغییری سیاسی به دست آورده، یا از قدرت و امکانات مادی درخوری برخوردار بودند، به اجرای طرح‌های عمرانی مختلف یا برپایی مجموعه‌ای سیاسی - فرهنگی در خارج از فضای شهر تمایل نشان می‌دادند. برای مثال، در قرن چهارم قمری هنگامی که حکمران آل بویه شهر قزوین را به مانند پایگاهی برای مقابله با کوه‌نشینان شمال سرزمین ایران مورد توجه قرار دادند، ابتدا صاحب بن عباد شهر را براساس نه محله سازمان داد (که برخی از آن محلات نه‌گانه، قدیمی بودند) و سپس در جریان شکل‌گیری و رشد بعدی کالبد بازار، نظام محله‌ای جدیدی استقرار یافت (مجابی 1378 - 1379 جلد دوم: 264). در تجربه‌ای دیگر هنگامی که طاهریان نیشابور را به عنوان مقر حکومت خود انتخاب کردند نشیمن امرا در باغ شادیاخ بود، اما به تدریج جریان احداث عمارات در آن‌جا فزونی گرفت و عاقبت در قرن ششم قمری، آن محله شهر نیشابور شده بود (یاقوت حموی 1347: 20). در صورتی که چنین طرح‌هایی به ثمر می‌نشست، اندک زمانی پس از تکمیل شدن تأسیسات و فضای شهری جدید، گروه‌هایی از جماعت شهر که با بدنه سیاسی شهر ارتباط داشتند به آن منطقه جدید روی می‌آوردند و در نتیجه محله‌ای تازه شکل می‌گرفت. براساس چنین روندی بود که سمت‌گیری گسترش آتی شکل شهر، در جهت موقعیت مکانی فضای تازه احداث مشخص می‌گردید.

3 - افزون بر ملاحظات و شرایط سیاسی که حکام و کارگزاران حکومت را به اجرای سیاست‌های فعال شهرسازی رهنمون می‌ساخت، برخی انگیزه‌های دیگر نیز در این راستا پیامدهای این‌گونه در برداشت. برای مثال، گاه طرح‌ها و برنامه‌های عمران شهری با هدف سرمایه‌گذاری در بناها و تأسیسات زیربنایی شهری (مانند قنات‌ها، بازارها، حمام‌ها، میادین، و غیره) و جهت انتفاع از درآمدهای ناشی از اخذ اجاره بها از اماکن، فروش خدمات یا سایر درآمدهای این‌چنینی به اجرا در می‌آمد. انجام این طرح‌ها سبب می‌شد به تدریج بخشی از جمعیت اضافی شهر که از سر اضطرار به آن منطقه روی می‌آوردند و نیز گروهی دیگر از

شهریان که برای به دست آوردن موقعیت‌های اقتصادی، بیشتر ترجیح می‌دادند در منطقه‌ای که مؤسسه اقتصادی / اجتماعی جدید در آن جا برپا شده بود، استقرار پیدا کنند، در برپا شدن سریع محله‌ای جدید مؤثر واقع می‌شدند.

برپاسازی مؤسسات مختلف شهری در یک محله، اعتبار و اهمیت آن را به سرعت بالا می‌برد. برای مثال، امیر چخماق شامی در محله دھوک اسفل یزد مسجد جمعه، خانقاه، کاروانسرا، حمام، قنات‌خانه، بازار، چاه آب سرد و نظایر این‌ها ساخت «... آن محله را به این سبب قیمت افزود و مسجد جمعه را مسجد نو خواندند» (کاتب یزدی 1317: 105). از جمله مهم‌ترین مؤسسات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که تأسیس آن‌ها چنین وضعیتی را به وجود می‌آورد، می‌توان به بنیادگذاری مسجد، خانقاه، مدرسه، بازار، قنات و حتی مواردی چون گشودن درب جدید در حصار شهر، احداث میدان و نظایر این‌ها اشاره کرد (همان: 60).

این‌گونه محله‌های تازه احداث، به دلیل آن‌که بیشتر از سوی نخبگان سیاسی - اداری و اشراف شهری برای سکونت انتخاب می‌شد و نیز مؤسسات مهم شهری را دارا بود، تا مدت‌های مدید جزو مناطق مهم و گران قیمت شهری محسوب می‌گردید و تا هنگامی که بافت و کالبد آن منطقه کارکردهای اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی خود را در بافت کلی شهر از دست نمی‌داد، به منزله به مهم‌ترین بخش کالبدی شهر به‌شمار می‌رفت.

4 - همچنین رویه بنیادگذاری روستاها یا شهرک‌ها در مجاورت شهرهای بزرگ که توسط حکام و افراد منتفذ صورت می‌گرفت، نیز به تدریج سمت‌گیری آتی گسترش شکلی شهر را تعیین می‌کرد. بنیادگذاری روستا و دیه‌ها در منطقه‌ای واقع در بیرون شهر، بنا به اهداف مختلفی صورت می‌گرفت: گاه با سرمایه‌گذاری اشخاص یک رشته قنات در حاشیه شهر احداث می‌گردید، زمین‌های نامزروع آبیاری و کشت و زرع در آن منطقه رونق می‌گرفت. این امر بخشی از جمعیت و نیروی کار مازاد حاشیه شهر یا روستاهای مجاور به خود جذب می‌کرد و مناسبات روستایی را رونق می‌بخشید. گاه بنیادگذاری روستاها در مجاورت شهر به منظور برطرف ساختن بخشی از نیاز شهریان به مواد غذایی صورت می‌گرفت. همچنین گاه احیاء اراضی و احداث دیه‌ها برای وقف درآمدهای ناشی از آن برای مؤسسات تازه‌ساز شهری بود. سلغر شاه - جانشین محمودشاه، در دوره مغول - در یزد «... بر در شهر نزدیک محله یعقوبی دهی ساخت و قنات جاری کرد و آن را به اسم خود منسوب کرد و حال به سلغرآباد معروف است» (همان: 79). در مورد نیشابور اشاره شده است که «... قری و قنوات که بر



حوالی شهر و قهندز بوده، با ازدیاد عمارات در شهر و سور داخل شد و باغات و بساتین محلات شهر گشت (حاکم نیشابوری 1357: 199 - 200)، تجربه مشابهی در مورد شهر کاشان وجود دارد (بیرشک 1383 جلد سوم: 383). گاه از این گونه محلات شهر به عنوان محله‌های روستاوار شهر یاد می‌شود (اشرف 1353: 42). پایه‌گذاری روستاها براساس هریک از اهداف فوق، در اکثر مواقع پیامدهای یکسانی را در راستای گسترش کالبد شهری و ایجاد تغییر در شکل شهرها در برداشت.

بنیان‌گذاری شهرک‌های اقماری در پیرامون شهرهای بزرگ، تأثیرات گسترده‌تری در راستای بروز تغییرات شکلی در شهرها ایفا می‌کردند. بنیان‌گذاری شهرک «کرد فنا خسرو» در مجاورت شهر شیراز و نزدیک درب مسلم - در دوره آل بویه - انعکاسی از جهت‌گیری سیاست عمرانی حکومت‌ها در جهت فراهم آوردن شرایط و فضای شهری مناسب برای فعالیت گروه‌های شهری بود. عضدالدوله دیلمی، در قرن چهارم قمری، که شهر شیراز از نظر وسعت و جمعیت رشد زیادی کرده بود، تصمیم به بنیان‌گذاری این شهر گرفت (ابن بلخی 1374: 319 - 323؛ لسترنج 1367: 269؛ افسر 1367: 47 - 48). در این حالت الگوی گسترش شکل شهر براساس الگوی «توسعه برون کالبدی» تحقق می‌یافت.

گاه مهم‌ترین هدف بانیان چنین استقرارگاهی آن بود که بخش اضافی جمعیت شهری را سامان‌دهی نموده، به ویژه فضای کالبدی مناسب برای رشد مناسبات تولیدی که در کالبد شهری دچار تنگناها و دشواری‌هایی شده بود، تدارک ببیند. اطلاق نام دروازه «نو» در برخی شهرها حکایت از آن دارد که پس از آن که محله تازه‌ای در بخشی از شهر برپا می‌شد، تعبیه درب جدیدی در حصار شهر لازم می‌آمد تا تردد و دسترسی ارتباطی مردمان آن بخش از شهر را تسهیل نماید. برای مثال، در دوره صفاریان گشودن دروازه نو در شهر زرنج در پی ضرورت‌های ناشی از اقدامات عمرانی و شهرسازی یعقوب و عمر بن لیث در افزودن عناصر شهری جدید و احداث محله‌های جدید در شهر بود (جیهانی 1368: 161 - 162).

5 - تهاجمات قبایل صحراگرد سلجوقی به ایران تغییرات اجتماعی گسترده‌تری درون سرزمینی جماعات مختلف را افزایش داد و در نتیجه ضرورت‌های اجتماعی که پیامد آن روند محسوب می‌شد، ظهور و رشد محله‌های جدید در شهرهایی که در موقعیت مزبور قرار گرفته بودند، شتاب گرفت. حکمرانان ترک که به نمایندگی از سوی حکومت مرکزی به حکمرانی شهر یا منطقه‌ای گمارده می‌شدند، شماری سپاهیان قبیله‌ای به همراه داشتند که به ناچار باید

در شهرها یا مجاورت آنها استقرار می‌یافتند. این امر برای مردمان ساکن در شهرها مشکلات فراوانی پدید می‌آورد. از این‌رو راه کار احداث محله‌های جدید به عنوان راه‌حلی فوری برای برطرف کردن چنین مشکلاتی در دستور کار حکمرانان قرار می‌گرفت. برای مثال ملک تورانشاه، حکمران سلجوقی کرمان، که در ابتدا سپاهیان در منازل مسکونی مردم شهر اسکان یافته بودند و این امر مشکلات بسیاری را برای شهریان به وجود می‌آورد، مکان‌هایی برای استقرار سپاهیان در فضایی خارج از شهر اختصاص داد. وی در روض شهر کرمان برنامه‌های عمرانی گسترده‌ای جهت احداث تأسیسات شهری و اقامتی ضروری برای اسکان سپاهیان اجرا درآورد و به این ترتیب محل استقرار آنان را از محل زندگی مردم شهر تفکیک کرد. بنا به روایت کلی که در این رابطه وجود دارد چنین اقدامی به این واقعه مربوط می‌شد که شخصی از فرود آمدن سپاهی در منزلش شکایت نزد ملک توران شاه برد و مشکلات خود و خانواده‌اش را در این خصوص بازگو کرد و توضیحات وی ملک تورانشاه را از عمق رنج مردم آگاهی داد. از این‌رو وی دستور داد تا استادان بنا را حاضر کرده و «... در روض، بیرون شهر، بنای سرای خویش فرمود و در جنب‌سرای، مسجد جامع و مدرسه و خانقاه و بیمارستان و گراموه و اوقاف شگرف بر آنها نهاده و فرمود تا امراء دولت و صدور حضرت و معارف ولایت همه در روض منازل ساختند...» و آن محله به نام «محله سه‌شنبه» معروف شد. این محله تا مدت‌ها از محلات مهم و معتبر شهر کرمان بود (افضل‌الدین کرمانی 1373: 368 به بعد). خلفای عباسی، از جمله معتصم بالله عباسی، نیز در چنین فرایندی سپاهیان ترک خود را در محله‌های تازه احداثی که برای این منظور بنا می‌کردند، استقرار می‌دادند (عریان 1374: 289؛ مناظر احسن 1369: 208؛ اشاره‌ای به محله خاص برای اسکان غلامان ترک در شهر غزنین: محمدبن منصور مبارکشاه فخرمدبر 1346: 106، و تجربه مشابهی در مورد شهر یزد در دوره علاءالدوله کاکویی؛ کاتب‌یزدی 1317: 66 - 67).

اهمیت اجرای این برنامه عمران شهری در شهرهای سده‌های میانه سبب گردید برخی دستورالعمل‌ها در این خصوص تدوین گردد تا حکمرانان مسلمان را در باب وجوب پرداختن به شیوه اسکان قبایل در محله‌های مختلف و جدا از یکدیگر، راهنما باشد (عبدالستار عثمان 1376: 115 - 116). اقدامات مشابه سلاطین سلجوقی بزرگ در شهر بغداد نیز در راستای چنین وضعیتی صورت می‌گرفت. اگرچه بدون تردید اقدامات سلجوقیان در این خصوص گستره وسیع‌تری داشت. از جمله، هنگامی که طغرل به بغداد وارد شد اقامت سپاهیان در

شهر مردم را به رنج مبتلا کرد. لذا وی برای رعایت حال مردمان محله‌ای جداگانه ترتیب داد که محل اسکان سلطان و دیوانیان و غیره بود (بنداری اصفهانی 1356: 60؛ ظهیری نیشابوری: 1332: 19؛ امین 1385: 282 - 283؛ کوی مسلح‌گاه شهری نیز مخصوص استقرار سپاهیان سلطان سلجوقی بود، کریمان 1345 جلد اول: 254 - 255).

در دوره مغولان که وضعیت مشابه با دوره سلجوقیان به وجود آمده بود، ایلخانان مغول و حکمرانانشان، برنامه‌های عمرانی مشابهی را به اجرا درآوردند که در نتیجه آن توسعه کالبدی شهرها شتاب گرفت. حمدالله مستوفی در مورد شهر تبریز اشاره دارد: «چون آنجا دارالملک شد، خلایق کثیر شدند و لذا در بیرون شهر عمارت کردند تا جایی که به هر دروازه از شهر، از اصل شهر زیادت آبادانی حاصل شد» (حمدالله مستوفی قزوینی 1378: 122 - 123؛ اشپولر 1368: 446). اقدام غازان‌خان در احداث شهرکی که به «شام» معروف شد و نیز پایه‌گذاری «ربع رشیدی» توسط وزیر او سبب شد جمعیت به آن سو سرازیر شده و ازدیاد نفوس در آن محله‌ها باعث شد که بعدها غازان با احداث بارویی بسیار بزرگ کوی‌هایی را که در بیرون شهر بود درون بارو جای دهد (حمدالله مستوفی قزوینی 1378: 123). در این دوره در مورد شهر تبریز نیز انجام چنین اقداماتی ضرورت یافته بود (ذکاء جلد سوم: 167 - 168؛ نیز همو 1376 جلد اول: 146). گاه محله‌ها در خارج از شهر احداث می‌گردید و سپس به شهر اصلی منضم می‌گردید (ضیاءتوانا 1370: 181).

6 - در جریان تأسیس و به‌وجود آمدن محله‌ها و شهرک‌های جدید و گسترش کالبد شهرهای ایران در سده‌های میانه، افزون بر علل سیاسی و حکومتی مورد بحث، عوامل دیگری نیز در این روند دخالت داشته و نقش ایفا می‌کردند: گاه یک کوی یا محله خاص به منظور اقامت شخص خلیفه با اعوان و انصارش بنیان‌گذاری می‌شد. مانند محله‌ای که برای مهدی عباسی در بغداد احداث شد (یاقوت‌حموی 1347: 116) یا بنیادگذاری محله‌های دیگری چون رصافه، که بعداً با محله کرخ ادغام شد. این‌گونه تجربه عمران شهری در شهرهای قاهره، فسطاط، عسکر و قطائع و نظایر این‌ها نیز قابل بررسی است (عبدالستار عثمان 1376: 125 - 126).

گاه بنا به ضرورت‌های ناشی از رشد مناسبات اقتصادی و اجتماعی شهرها (مانند افزایش شمار جمعیت پیشه‌وران و سایر گروه‌های شهری نظیر) محله جدیدی با کارکردهای مشخص، برای یک گروه از مردم شهر احداث می‌گردید تا در عرصه و فضای زندگی آن‌ها

که در شهر تنگ شده بود، گشایشی صورت گیرد. بنیان‌گذاری محله کرخ به منظور انتقال محل‌های کسب و کار تجار و دکان‌های پیشه‌وران شهر بغداد که دچار مضیقۀ فضایی شده بودند، صورت گرفت که در نتیجۀ آن تردد و آسایش خریداران و مردم مراجعه‌کننده به آنان نیز متحقق می‌گردید. آرتور پوپ روند رشد شهرها در جهت محورهای خیابان‌های اصلی شهر را که هجوم جمعیت به سوی استحکامات شهری و احداث فضاهای مسکونی در اطراف آنها شده و به پیدایش محله‌ها می‌انجامید، مورد بررسی قرار داده است (پوپ: 174). احداث محله کرخ در بغداد با هدف انتقال بازارها و دکان‌های پیشه‌وران از درون شهر بغداد به آن‌جا صورت گرفت (جاویدان 1378: 122 - 131؛ شیخلی 1362: 60 - 61).

باعنایت به شیوه‌های افزایش فضای کالبدی شهری براساس الگوی تأسیس محله/ محله‌ها در شهرها، لازم است در خصوص تداوم حیات و رونق اجتماعی - اقتصادی محله‌های مزبور در ادوار پس از به‌وجود آمدن آنان، چند موضوع مدنظر قرار گیرد: 1 - در شهرهای سده‌های میانه، روند رشد و توسعه کالبد شهر به صورت تأسیس و برپا شدن محله‌ها و شهرک‌هایی در حومه شهر اصلی به صورت امری معمول درآمده بود. 2 - امور عمرانی این‌گونه محله‌ها تابع الگوی عمرانی شهر اصلی بوده، از این‌رو تحت‌تأثیر اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شهر قرار داشتند. 3 - نکته مهم دیگر درباره بنیادگذاری و احداث محله در شهرها و نیز توسعه بعدی کالبد آن به اقامت افراد سرشناس و معتبر در آن‌جا باز می‌گشت؛ زیرا در صورتی که در محله تازه‌تأسیس رجال صاحب نام و دارای قدرت و نفوذ اجتماعی - سیاسی و اقتصادی اسکان می‌گزیدند، بر اعتبار آن محله در شهر افزوده می‌شد. بر این اساس بسیاری از مورخان در توضیحی که از محلات شهر مورد نظرشان ارائه می‌دهند، به ذکر نام و شرح احوال ساکنان معروف آن می‌پردازند (سلطان‌زاده 1367: 239). برای مثال، تنوخی در حکایتی اشاره دارد: صراف پیری پس از سال‌ها به بغداد و خانه خود بازگشت و مشاهده کرد آن‌جا تغییر بسیاری یافته و بسیار نیکو شده «... دکان‌ها به رسم سرای بزرگان کشیده و دربانان نشسته و...». وی ابتدا به ذهنش چنین خطور می‌کند که همسرش مرده و «... کسی از اصحاب سلطان سرای را ملکیت فرو گرفته...» و این آبادانی که در محله او صورت گرفته است، در اثر آن‌چنان تغییراتی رخ داده است. اما بعد متوجه اصل ماجرا می‌شود (تنوخی 1362 جلد دوم: 857 - 858). حاکم نیشابوری نیز در توصیف محله نصرآباد گوید «... اعلاء شهر بود، بزرگ و عریض محل علما و تجار بود... چهل بازرگان در آن محله بود...» «دارای جاه و

مال و حشمت...» (حاکم نیشابوری 1375: 201). 4 - در عین حال تأثیرات تحولات سیاسی، درگیری‌های فرقه‌ای و دیگر حوادث مشابه، سرنوشت محله‌ها را دست‌خوش تغییر می‌کرد و به مرور از اعتبار و اهمیت آن‌ها می‌کاست. تقسیم محله‌های یک شهر به جماعت شیعه و سنی و سایر اقلیت‌های دینی، نشانه اهمیت و تأثیرگذاری ملاک‌های دینی در جایگزینی پیروان گرایش‌های مختلف مذهبی در شهرها بود. در اثر چنین وضعیتی لازم می‌آمد مؤسسات ضروری زندگی شهری در درون محله برپا شود تا از این طریق روند جدایی‌گزینی اجتماعی - فرهنگی محله‌ها از یکدیگر نهادینه گردد. شهرری نمونه‌ای از چنین شهرهایی در ایران بود (کریمان 1345 جلد اول: 190 - 212). در این شرایط ستیزه‌های محله‌ها با یکدیگر تحت تأثیر مسایل و نزاع‌های مذهبی به شکل نهادینه‌ای در می‌آمد. شهر نیشابور هنگامی که مورد هجوم غزها واقع شد، بیشترین تخریب‌های شهر ناشی از توأم شدن نزاع‌های مردمان محله‌ها با یکدیگر و تهاجمات صحراگردان بود (حسینی یزدی 1908: 109). شکل نهادینه شده ستیزه‌های محله‌ای در شهرهای ایران در ادوار بعد در شکل منازعات نعمتی و حیدری تجلی کرد (میرجعفری 1361: 117 - 155؛ سلطان‌زاده 1370 جلد سوم: 351 - 367).

به این ترتیب، در شهرهای قرون میانه بنابه دلایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی احداث محله‌های جدید و مستقل ضرورت پیدا می‌کرد، در جریان گسترش بعدی کالبد محله‌های مزبور به تدریج در ساختار کالبدی شهر ادغام می‌شدند و در نهایت شکل و فضای شهرها گسترش می‌یافت. این روال یکی از الگوهای توسعه کالبدی و رشد فضای اجتماعی شهری در سده‌های میانه بود.

ب - اما الگوی دیگری که در جریان رشد کالبدی و شکلی شهرها در سده‌های میانه قابل مطالعه است، به این صورت بود که متعاقب تأسیس برخی مؤسسات مهم در یک منطقه از شهر فعالیت‌های روزمره شهرنشینان در آن محدوده شتاب گرفته، زندگی رونق می‌یافت. برای مثال بنیان‌گذاری مساجد، به ویژه مسجد جامع، در این زمره بود. احداث مسجد در یک شهر به هنگام شتاب‌گیری روند توسعه شهر یا برای بالا بردن اعتبار یک محله یا منطقه در حال رشد ضروری بود. مثلاً در شهر نیشابور سه مسجد توسط عبدالله بن عامر احداث گردید (بولت 1361: 517) یا در شهر واسط دو مسجد جامع در زمان‌های مختلف احداث گردید (ابن‌رسته 1380: 218). در یزد نیز علاءالدوله کالیجار پس از توسعه کالبدی شهر مساجد

متعددی را بنیان‌گذاری کرد (کاتب یزدی 1317: 65)، عمرو لیث صفاری نیز برای شادیاخ (در حومه نیشابور) مسجد جامع نیکویی بنا کرد.

سبب اعتبار یافتن یک منطقه یا محله جدید و تازه‌ساز شده و رغبت گروه‌های مختلف شهری را به اقامت در پیرامون آن بنای مهم برمی‌انگیخت. در عین حال، انجام فعالیت‌های عمرانی نشانگر آن بود که فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی و مناسبات شهرنشینی در منطقه مورد نظر شتاب گرفته است.

تأسیس بناهای تجاری که به عنوان فضاهای مکمل کالبد اصلی بازار شهر محسوب می‌شد و اغلب به سوی دروازه‌های شهر جهت‌گیری می‌نمود، گسترش محلات مسکونی و پیشه‌وری مختلف در شهر را به دنبال داشت. در برخی موارد حکام به ساخت بازار در شهرها اقدام می‌کردند. به احداث محله کرخ توسط منصور عباسی اشاره کردیم. سلطان محمود غزنوی بازاری در برابر مسجد جامع شهر نیشابور احداث کرد (حاکم نیشابوری 1367: 198). در سایر شهرها چون یزد (کاتب یزدی 1317: 94 - 96) و قزوین (همان: 264) نیز چنین تجربیاتی صورت گرفته بود. حکمرانان با آن که در ایجاد دیگر مؤسسات شهری که کارکردهای این چینی داشتند (مانند کاروانسراها) با انگیزه‌های متفاوتی عمل می‌کردند (کیانی 1374: 13؛ گرابر 1375: 98) اما نتایج امر مشابهت‌های بسیاری را در روند رشد کالبدی شهر برجای می‌گذارد.

هنگامی که در اثر ضعف حکومت مرکزی امنیت متزلزل می‌گردید، یا در اثر شیوع جنگ‌های داخلی تهاجمات به شهرها گسترش پیدا می‌کرد، ضرورت برافراشتن حصارها بر گرد شهر به میان می‌آمد. در این شرایط بود که بسیاری از محله‌ها یا بناهای برپا شده و گاه حتی روستاهایی که خارج از حصار کهنه شهر قرار داشتند، در درون حصار جدید سامان‌دهی شده، در واقع به فضای اصلی شهر ملحق می‌شدند؛ و به این ترتیب عرصه فضای داخلی و وسعت کالبد شهر افزایش می‌یافت و شکل شهر تحت‌تأثیر این روال تغییر پیدا می‌کرد. شهر یزد (کاتب یزدی 1317: 75) و شهر کرمان چنین تجربیاتی داشتند. در قرن 9 هـ که حصار یزد برگرد شهر کرمان کشیده شد و «بعض محلات خارج شهر قدیم را جزو شهر کردند» (باستانی پاریزی 1366 جلد دوم: 199). همچنین چون پاروی شهر تبریز در عهد غازان «بسیاری از کوی‌ها و بازارها و خانه‌ها را که در بیرون از آن پدید آمده بودند، نمی‌پوشاند» بارویی جدید کشیده شد که تمام باغات و خانه‌های مردم داخل محوطه افتاد (وهاب‌زاده 1374 جلد سوم: 79).



احداث بارو برگرد شهرها به مانند مهم‌ترین عامل در جذب مردمان نگران از حفظ جان و مال خود به شهرها نقش ایفا می‌کرد. در جریان اقامت‌گزینی شمار بیشتری از مردمان در درون حصار امن شهر فعالیت‌های اقتصادی شهر گسترش یافته و رونق پیدا می‌کرد. شرح ابن‌فقیه در مورد شهر تبریز (ابن‌فقیه 1349: 127) و گزارش حمدالله مستوفی در مورد شهر اصفهان مؤید این نظر است (مستوفی قزوینی 1378: 89).

از این‌رو در نظر برنامه‌ریزان عمران شهری الگوی توسعه کالبدی - اجتماعی شهری براساس کشیدن بارو و حصار برگرد شهرها به دلیل نتایج متفاوت و مهمی که در پی داشت، بسیار مورد توجه بود (ذکاء 1376: 146؛ شکوهی 1378: 144؛ بیرشک 1374: 383 - 340؛ معیری 1371: 34؛ عبدالستار عثمان 1376: 119 - 120؛ Northedge 1997: 881-883).

احداث فضاهای آموزشی نظیر مدرسه، که به مانند یک «مجموعه کالبدی» در نظر می‌آمد (الگوی نمونه‌وار یک مدرسه مرکب از اجزاء گوناگون فضاهای آموزشی و خدماتی و علمی و سایر فضاهای تکمیلی) نیز تأثیرات بسیاری در طراحی فضاها و الگوی عمران شهری داشت. افزون بر آن پایه‌گذاری یک مدرسه در منطقه‌ای از شهر رونق‌یابی و رشد فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی را آن بخش از شهر باعث می‌گردید. احداث مدرسه غالباً در محلات پرجمعیت پیشه‌وری، یا بازار صورت می‌گرفت؛ و این امر به دلیل ارتباط این مؤسسه با اقتصاد شهری بود. برای مثال؛ اتابک عزالدین لنگر، مدرسه‌ای عالی در میان بازار شهر یزد احداث کرد (کاتب‌یزدی 1317: 74) در شیراز نیز آبش خاتون در کوی طناب بافان مدرسه‌ای برپا کرد (خواندمیر 1372: 135 و غیره).

همچنین است پایه‌گذاری دیگر مؤسسات فرهنگی - اقتصادی و رفاهی مانند کاروانسرا، کتابخانه، حمام، میدان، آب‌انبار، خانقاه، رباط و نظایر این‌ها، که هریک به سهم خود در جهت‌یابی و تعیین مسیر رشد فضاهای کالبدی شهرها نقش ایفا می‌کرد، تمرکز و گسترش فعالیت شهرنشینان در پیرامون فضاهای مزبور در شهر را نیز به دنبال داشت.

البته لازم است اشاره شود که سرمایه‌گذاری اشخاص متنفذ و متمول یا هزینه‌هایی که حکمرانان در اموری چون برپایی مؤسسات شهری به‌طور یکسان همه مناطق یک شهر را در بر نمی‌گرفت؛ بلکه معمولاً چنین بود که در یک دوره تاریخی یک منطقه شهر که شرایط مناسبی برای برپاسازی مؤسسات شهری برخوردار بود، مورد توجه قرار می‌گرفت و البته به

همین روال در ادوار بعد و در پی بروز تحولات سیاسی - اجتماعی از رونق و شکوفایی آن محله کاسته می‌گردید.

پ - روال دیگر بروز تغییر در بافت، کالبد و شکل شهرهای ایران در قرون میانه در آن شمار از شهرهایی ملاحظه می‌گردید که به عنوان پایتخت و مرکز یک حکومت انتخاب می‌شدند؛ زیرا در این شرایط به دلیل آن که مدیریت امور اداری و سیاسی یک قلمرو پهناور در شهر تمرکز می‌یافت، لازم می‌آمد مؤسسات و فضاهای متلازم با نقش جدیدی که شهر پذیرفته بود، برپا گردد تا نیازهای گوناگون مرکزیت سیاسی - اداری جدید را برآورده سازند. این امر رونق و ارتقاء موقعیت اجتماعی - اقتصادی شهر را به دنبال داشت: از یک سو سیل مازاد تولید بخش‌های مختلف کشور یا منطقه به آن شهر سرازیر می‌شد و از سوی دیگر افزایش مداوم جمعیت و نیازهای گوناگون بخش‌های مختلف اقتصادی و اداری، فعالیت‌های عمرانی مستمری را در شهر ضروری می‌ساخت. ایجاد بناهایی با کارکردهای اداری و سیاسی یا قابلیت‌های دفاعی و امنیتی شهر، ساخت بناهای یادبود و نظایر این‌ها، از جمله اشکال توسعه کالبدی و فضایی چنین شهرهایی به‌شمار می‌رفت. جریان دایمی ورود مهاجران خرد و کلان از نواحی دور و نزدیک به شهر پایتختی، رشد جمعیت شهر را شتاب می‌بخشید و این امر نیز در سرعت‌گیری ساخت و سازها و در نهایت متحول نمودن شکل و کالبد فضای شهری مؤثر بود. بر این اساس می‌توان مراحل رشد ناگهانی برخی شهرها در دوره رونق و شکوفایی سیاسی - اداری و اقتصادی آنان تحلیل و ارزیابی کرد (بررسی وضعیت شهرهای پایتختی ایران در: کیانی 1374؛ گرابر 1380: 15 - 79).

به عنوان مثال شهرهایی چون یزد به هنگامی که مرکزیت اتابکان یزد را پیدا کرد (کاتب‌یزدی 1317: 65 به بعد) و شهر هرات در دوره تیموریان (حافظ ابرو 1349: 9 به بعد) و شهر اصفهان در عهدشاه عباس (حبیبی 1378: 93 - 102) چنین تجربیاتی را از سر گذرانیدند.

الگوی شهر پایتختی را می‌توان تجلی و ظهور «آرمان شهر» حکومت‌های مقتدر و متمرکز به‌شمار آورد که به ویژه در مورد حکومت‌های پیش از اسلام و در نزد برخی از شهرهای پایتختی حکومت‌های دوره اسلامی، مانند سامانیان (بخارا)، آل‌بویه (شیراز)، سلجوقیان (ری - اصفهان)، مغول (سلطانیه - تبریز)، تیموریان (هرات)، صفویه (قزوین - اصفهان) نمود پیدا کرده بود. امرا و حکام نواحی مختلف نیز در اجرای برنامه‌های عمران

شهری خود تلاش داشتند از طرح مزبور پیروی نمایند. بازتاب این گرایش‌ها در شهرسازی را می‌توان در مورد شهرهای یزد، شیراز، کرمان و موارد دیگر مطالعه کرد.

ت - بروز یکی از وضعیت‌های رشد و گسترش یا انحطاط و پس رفت مناسبات اقتصاد شهری از علل عمده ایجاد تحول و تغییر در کالبد و شکل شهرها به‌شمار می‌رفت. پیشرفت فعالیت‌های اقتصاد شهری (مانند بخش تولید کالایی - بخش پیشه‌ووری - یا بخش مبادله و توزیع) نیازمند گسترش و ایجاد فضاهای مناسب با مقتضیات این‌گونه فعالیت‌ها بود. افزایش وسعت شهرها در دوره ساسانیان که سبب گردیده بود جریان مکان‌یابی و استقرار گروه‌های پیشه‌ور برگرد کهن دژ شتاب گیرد، فضاهای کالبدی پیرامون کهن دژ را گسترش داده بود. پیدایش منطقه شارسرستان در شهر دوره باستان در تداوم این وضعیت تحقق یافت. در نتیجه تحولی که در مناسبات اجتماعی - اقتصادی شهرها در قرون نخستین پس از اسلام به‌وجود آمد، مرکزیت زندگی و فعالیت شهری در منطقه ربض قرار گرفت و به تدریج اغلب مؤسسات اصلی شهری در ربض برپا گردید: بناهایی مانند مسجد، دارالاماره، بازار، حمام، کاروانسراها و غیره. روند برآمدن منطقه ربض و انتقال تأسیسات شهری به آن منطقه را مثلاً در مورد شهر نیشابور در سده‌های اول هجری می‌توان به خوبی ردیابی کرد (اعتضادی 1374: 24).

در جریان این فرایند، شماری از ساکنان مناطق کهن دژ و شارسرستان - که به تدریج عنوان شهر کهنه به خود می‌گرفت - استقرارگاه خود را در آن نواحی ترک گفته، به محله‌ای تازه تأسیس شده‌ای که در فضای دورتری از قلب شهر قرار داشت، نقل مکان می‌کردند (در مورد شهر کاش - در خوارزم - بارتولد 1366 جلد اول: 329 - 333).

این روند تحت‌تأثیر عوامل و رخداد‌های مختلف نیز قرار داشت. برای مثال، جریان جابه‌جایی درونی مردمان شهر را شتاب می‌بخشید (در مورد شهر بخارا، بارتولد 1366 جلد اول: 255 - 256؛ غفوراف جلد اول: 562).

رشد اجتماعی - اقتصادی منطقه ربض و گسترش کالبد آن به عنوان منطقه مهم شهری ایجاد می‌کرد برای برقراری امنیت در آن بخش دیواری بر گرداگرد آن کشیده شود و به این ترتیب کالبد ربض به مانند لایه جدیدی بر ساختار کالبدی شهر افزوده می‌شد و شکل آن را تحت‌تأثیر قرار می‌داد. برای مثال، هنگامی که در شهر بخارا چنین وضعیتی رخ داد اهل ربض از امیر بخارا (احمدبن خالد) درخواست کردند سور و دیواری برگرد ربض بکشد تا امنیت مالی و جانی آن مردمان تأمین گردد (نرشخی 1363: 48).

بررسی تغییرات اجتماعی - اقتصادی و پیامدهای این چینی در شهرهای ایران، (یوسفی فر 1384: 217 - 261). اهمیت منطقه ریز در شکل‌دهی به مناسبات شهری از شهرهای سده‌های قرون میانه تا اندازه‌ای بود جغرافیانگاران در گزارش خود از آن شهرها تنها درباره ریز یک شهر مطالبی را مورد اشاره قرار داده‌اند. گزارش‌های موجود در مورد شهرکش در ماورالنهر، در دوره سامانیان، چنین است. کهن دژ و شارستان شهر به صورت ویرانه درآمد بود و فقط منطقه ریز حالت مسکون داشت و تنها زندان و مسجد جامع در شهرستان باقی مانده بود؛ اما بازارها و محلات شهر در منطقه ریز قرار داشتند (بارتولد 1366 جلد اول: 310).

فرایند انتقال مرکزیت مناسبات اجتماعی - اقتصادی زندگی شهری از کهن دژ و شارستان دوره باستان به منطقه ریز در شهرهای دوره اسلامی، تحت‌تأثیر چند عامل قرار داشت: رشد سریع مناسبات تجاری و تولید کالایی در شهرهای سده‌های میانه سبب گردید گروه‌های پیشه‌ور و سایر فعالان اقتصادی که در منطقه شارستان دوره ساسانی استقرار پیدا کرده بودند، به ناگزیر در فضاهای جدیدی که در امتداد راه‌های اصلی شهر گسترش می‌یافت، استقرار پیدا کنند؛ و بر این اساس فضاهای کالبدی مهمی چون بازار و مناطق سکونت گاهی بازارگانان و کسبه و پیشه‌وران در منطقه ریز که خارج از فضای کالبدی شهری دوره ساسانی قرار داشت، برپا می‌گردید (اشرف 1353: 21؛ بررسی جریان رشد بازارها و شیوه‌های پیدایش فضاهای شهری، بافت بازار و محلات پیرامون آن و نحوه استقرار پیشه‌وران در کالبد بازار و مجاور آن: میشل 1380: 97 - 111؛ سلطان‌زاده 1380: 801 - 786 Bianquis). پژوهش ریچارد فرای درباره شهر بخارا مؤید بروز چنین تحولی در شهر بخارای دوره سامانیان است: «گسترش زیاد حرف و صنایع و داد و ستد و بازارها، خاصه در قرن دهم (قرن 3 و 4 هـ.) در حکم انتقال جمعیت به حومه شهرها یا ریز بود. امنیتی که در دوره سامانیان احساس می‌شد و از بین رفتن خطر حمله اقوام کافر بیابان گرد، موجب رشد و رونق مداوم اطراف شهرها در خراسان و ماورالنهر گردید» (فرای 1348: 219 - 220)، تحولات مشابه در شهرهای نیشابور، ری، بردسیر، زرنج و سایر شهرهای آن دوران نیز در جریان بود (اشرف 1353: 22؛ سلطان‌زاده 1367: 96).

البته در جریان الحاق منطقه ریز به جامعه شهر کهن مواعی نیز وجود داشتند که از جمله می‌توان به برخی محدودیت‌های مذهبی اشاره کرد. در واقع به دلیل آن که احداث مسجد جامع

در شهرهای دوره اسلامی باعث گردیده بود رسوم و شعایر مهم مسلمانان در آن مکان اجرا گردد، هرگونه فاصله گرفتن از منطقه مقرر برای اماکن مذهبی مانند مسجد جامع اشکالاتی را در شیوه اداء فرایض یا ضرورت‌های دسترسی به آن مؤسسات پیش می‌آورد. در اثر اجتناب‌ناپذیر بودن انتقال زندگی اقتصادی و اجتماعی به منطقه ربض، که به تدریج موقعیت شهری پیدا می‌کرد، مؤسسات اصلی شهری در آن منطقه استقرار می‌یافت. مسأله ضرورت اجازه تأسیس مسجد جامع در منطقه ربض از سوی برخی فقها (عبدالستار عثمان 1376: 336) و گاه احداث دو مسجد جامع در شهرهای بزرگ (مثلاً مرو) ساخته می‌شد. (مقدسی جلد دو: 454) گسترش منطقه ربض را با تأیید رسمی مراجع توأم ساخت. پیدایش و استقرار عناصر مرتبط با فعالیت‌های تجاری و پیشه‌وری در مسیر راه‌ها و خیابان‌های اصلی شهر درحال گسترش صورت می‌گرفت (خیرآبادی 1376: 65 - 67)؛ و در این راستا سیمای شهر را متحول می‌ساخت (عبدالستار عثمان 1376: 142 - 143). منطقه ربض در شهرهای قرون پنجم و ششم هجری چنان اهمیتی پیدا کرد که مؤلفی چون یاقوت حموی از «ربض» به عنوان «اساس شهر» (یاقوت حموی 1347: 91 - 94) و برخی مؤلفان دیگر آن را «شهر بیرونی» می‌نامیدند. ربض نیشابور شهر بیرونی نامیده می‌شد، چرا که در آن بازارهای شهر، مسجد جامع اصلی، دارالاماره، و برخی مؤسسات دیگر وجود داشت و در برگیرنده یک سلسله از محیط شهری بود (بولت 1361: 518)؛ شهر بخارا نیز چنین بود (غفوراف 1337 جلد اول: 562).

گفتنی است چون گسترش ربض در منطقه‌ای صورت می‌گرفت که «حومه شهر» محسوب می‌شد، پیش‌روی فضای کالبدی آن در محدوده باغ‌ها، کشتزارها و مناطق مسکونی و کشاورزی متحقق می‌شد و در نتیجه شکل گسترش فضا و بافت منطقه ربض، به جز در محور خیابان‌های اصلی، از الگوی تأسیسات آبرسانی، تقسیم‌بندی مزارع و راه‌های خاص کشاورزی و موارد دیگر پیروی می‌کرد. پیروی بافت، کالبد و فضای شهری منطقه ربض از الگوی کوچه باغ‌ها، مرزبندی‌های مزارع، کشتزارها و نیز پیروی از مسیر جریان آب در جوی‌ها از آن جمله است (فیروزآبادی 1374 جلد اول: 375 - 383). وجود کوچه‌ها و راه‌های ارتباطی پریچ و خم در شهرهای کهن حکایت از آن دارد که جریان گسترش کالبد ربض از این امر ناشی می‌شد.

در نتیجه، به دلیل آن که رشد و گسترش مناسبات تجاری و تولید پیشه‌وری در شهرهای قرون میانه، متلازم و همساز با فرایند تولید فضاهای شهری متناسب با فعالیت‌های اقتصادی

- اجتماعی مزبور بود، می‌توان چنین بیان داشت میزان تفوق و تسلط مناسبات تجاری و تولیدی در شهرهای مختلف قرون میانه با شکل گسترش، کیفیت، نوع فضاها و معماری ویژه‌ای که در شهرها ایجاد می‌گردید، قابل مطالعه و بررسی است (یوسفی‌فر 1384) مقایسه این بحث با روند ظهور شهرها در اروپای قرون وسطی و زاد و رشد سرمایه‌داری در آن شهرها که توأم با تولید فضاها و معماری ویژه بورژوازی بود (داب 1379: 11 - 132).

ث - در بررسی موضوعی چون فرایند شکل‌گیری و تحولات فضا و کالبد شهر و نیز تحلیل مناسبات شهرنشینی در ایران باید برای موضوع نهاد وقف جایگاه خاصی در نظر گرفت (اهلرز 1373: 45 - 51).

نهاد وقف و مؤسسات وقفی از جنبه‌های مختلف در تعیین شکل شهرهای اسلامی تأثیرگذار بودند، که اهم آن موارد عبارتند از: اول، «جنبه تکوینی و مکانی»؛ دوم، «جنبه اجتماعی - اقتصادی»؛ سوم، «جنبه سیاسی» (اهلرز 1373: 45). منظور از جنبه اول، خصلت شهرآفرینی موقوفات، یعنی توسعه مناسبات شهر براساس درآمدهایی که از موقوفات برای مصارف ویژه گسترش کالبد شهر اختصاص می‌یافت؛ جنبه دوم تأثیرگذاری کالبدی در ساختمان‌سازی مناطق مسکونی و بخش‌های بازرگانی و تأسیسات مذهبی در شهرهای شرق اسلامی است.

بسیاری از واقفان مؤسسات وقفی، با هدف برقراری حمایت اجتماعی از لایه‌های پایین جامعه، ایجاد فضاهای شهری لازم برای فراهم آوردن امکان کسب و کار پیشه‌وران فرودست و نیز سامان‌بخشی و پاسخ‌گویی به برخی نیازمندی‌های زندگی روزمره مردم، اقدامات خود را انجام می‌دادند. از این‌رو، کارکردهای نهاد وقف در شکل مناسبات شهری به صورت مختلف ظاهر می‌گردید: در اختیار گذاردن مساکن ارزان قیمت برای شماری از مستمندان یا مهاجران به شهرها، سامان‌بایی اجتماعی گروه‌های فرودست را باعث می‌گردید و تأمین مکان‌های مناسب کار و فعالیت اقتصادی برای گروه‌های پیشه‌وری فقیر، رونق فعالیت‌های پیشه‌وری در شهر را باعث می‌شد و در نهایت میزان رشد اشتغال در جامعه شهری افزایش می‌یافت.

اختصاص موقوفات روستایی برای مصارف گوناگون در شهرها سبب می‌گردید بخشی از مازاد تولید کشاورزی روستایی به سوی شهرها سرازیر گردیده، به همراه درآمدهای موقوفات شهری صرف سرمایه‌گذاری و گسترش تأسیسات عمومی و عام‌المنفعه در شهرها گردیده، به همین ترتیب هزینه‌های برگزاری بسیاری از شعائر دینی، آداب و رسوم اجتماعی تأمین



می‌شد. به این ترتیب، در نتیجه تحقق کارکردهای نهاد وقف که در حوزه‌های مختلف امور شهری سده‌های میانه ملاحظه می‌شد، نتایج گوناگونی را در پی داشت که به عنوان مثال می‌توان به دو مورد ویژه از چنین پیامدهایی اشاره کرد:

1 - افزایش موقوفات که برای برپاسازی بناها و فضاهای خاص در شهرها اختصاص می‌یافت، باعث می‌گردید آن بخش از بافت‌های شهری که در جمله طرح‌های مزبور قرار می‌گرفت، رشد فضایی و کالبدی متفاوت از سایر بخش‌های کالبدی شهر را تجربه نماید.

2 - و بر همین اساس اختصاص درآمد موقوفات برای نگاه‌داری و حفاظت فضاهای کالبدی شهری، باعث می‌گردید این‌گونه بناها در ادوار مختلف به صورت محافظه‌کارانه‌ای کارکردهای خود را حفظ کرده و به شدت از نوسازی و بازسازی بافت شهری ممانعت به عمل آورد. از این رو است که می‌باید نقش نهاد وقف در شکل‌دهی به فضاهای شهری و تسریع یا ممانعت از بروز تغییرات در شکل شهرها را مدنظر قرار داد.

3 - در روند شکل‌یابی و رشد فضاهای شهری همچنین باید نقش و کارکرد فضاهای آرامگاهی و آیینی و مشاهد مختلف، چون مزارهای اولیا و رهبران سرشناس دینی را مورد توجه قرار داد. وجود مجموعه زیارت‌گاهی در یک شهر موجب جذب و اقامت معتقدان، تردد سیاحان و مسافران می‌گردید که در نتیجه آن جمعیت شهر افزون شده، کسب و کار رونق می‌یافت. برخی از ارادتمندان و معتقدان شخصیت‌های مزبور بر آن می‌شدند به منظور افزایش رونق و شکوه و اعتبار آن‌گونه فضاهای معنوی، تأسیسات شهری - فرهنگی عام‌المنفعه‌ای را در پیرامون آن مجموعه‌ها احداث نمایند. جریان احداث مقابر بزرگان طریقت و رهبران دینی به سرعت به یک «مجموعه شهری» تبدیل می‌شد؛ چرا که برای تأمین نیازهای مسافران و زیارت‌کنندگان و نیز کسانی که در مجاورت این قبور و مشاهد اقامت می‌گزیدند، تأسیساتی موردنیاز بود که هزینه‌های ساخت و نگهداری و ارائه خدمات آن نیز از طریق موقوفات مشاهد تأمین می‌شد (سلطان‌زاده 1377: 44 - 45).

در نتیجه این فرایند، مجموعه کالبدی جدیدی در یک نقطه از شهر ظاهر می‌گردید که به سهم خود در تغییر کالبد شهری و کارکردهای آن منطقه از شهر نقش ایفا می‌کرد. شهر مشهد (خیرآبادی 1367: 94، 96 - 97، 99) تربت‌جام (غزنوی 1340: 11)، قم و نظایر این‌ها نمونه بارزی از ظهور چنین تغییراتی در شکل شهرهای ایران به‌شمار می‌روند.

همچنین است تأثیری که بنیادگذاری یک خانقاه که توأم با اقامت و فعالیت صوفیان در آن بود، تأثیری مشابه در روند گسترش و تغییرات شکلی شهرها در پی داشت. در این زمینه ذکر تجربه‌ای در مورد شهر بغداد بسیار گویاست. پس از مرگ ابوسعید ابوالخیر شماری از شاگردان برجسته وی مأمور شدند دعوت وی را در مناطق مختلف گسترش دهند. ابوسعید دادا، یکی از شاگردان وی، به شهر بغداد رفته و به نقل از خود وی «... چون به بغداد رسیدم و آن وقت آبادانی بدان سوی آب بود، من در مسجدی نزول کردم...». وی برای انجام مأموریت خود تصمیم گرفت که «... می‌باید که این‌جا بقعه سازم از جهت صوفیان و ایشان را خدمت کنم.» وی از خلیفه دستور خواست و اجابت شد و پس از مدتی که از ساخت خانقاه وی گذشت، تأسیساتی بنا گردید. سپس «... مردمان به یک‌بار روی به من نهادند و حاجات بر من رفع می‌کردند... و بیشتر از مردمان به جوار من رغبت کردند و در پهلوی خانقاه من سرای‌ها می‌ساختند، چنان‌که آن موضع انبوه گشت...». وی در ادامه می‌افزاید پس از مدتی شهر به یک‌باره به این سوی آب آمد و آن سوی خراب شد (میهنی: 1361: 361 - 368).

4 - تحول در شکل یک شهر در سده‌های میانه، گاه در نتیجه تغییرات کارکردهای شهری یا افزایش کارکردهای جدید بر کارکردهای قبلی شهر به‌وجود می‌آید. هر شهر به صورت معمول بنا به سطوح رشد یافتگی اجتماعی خود از یک موقعیت اجتماعی - اقتصادی برخوردار بود که کارکردهای آن شهر نیز در انطباق با این شرایط متحقق می‌گردید. اما گاه در اثر تحولات سیاسی یا تغییرات فرهنگی و اجتماعی شرایط جدیدی در شهر به‌وجود آمده، گسترش مناسبات شهری، شکوفایی بیشتر اقتصاد تجاری و کالایی را به دنبال داشت. به این ترتیب، کارکردهای تازه‌ای بر کارکردهای قبلی شهر افزوده می‌شد. برای مثال در هنگام تجزیه قدرت سیاسی و برآمدن حکومت‌های محلی، برخی از شهرها موقعیت تازه‌ای به عنوان مرکزیت سیاسی پیدا می‌کردند که در نتیجه آن شهر مزبور کارکردهای جدیدی پیدا می‌کرد. انتقال و کاربست فناوری جدید که در روند تولید برخی کالاها تحولاتی ایجاد می‌کرد نیز تغییرات گسترده اجتماعی و اقتصادی در شهر به دنبال داشت. در این وضعیت شهر در شرایط متفاوت‌تری نسبت به گذشته خود قرار گرفته و کارکردهای جدیدی را به خود می‌پذیرفت، امری که مستلزم گسترش فضاهای کالبدی جدید در شهر بود (دورنو 1374: 515؛ شکوهی 1374: 262).

5 - روال دیگر گسترش شکل شهر براساس الگوی رشد فضای شهری در پیرامون هسته‌ای مرکزی مانند یک قلعه یا دژ ظاهر می‌گردد. در واقع چون بسیاری از شهرهای باستانی ایران طبق این الگو متحول شده بودند، ریخت شهر اغلب به صورت مدور و برگرد نقطه‌ای کانونی (دژ یا قلعه) ملاحظه می‌شد و استخوان‌بندی اصلی و مسیر بعدی رشد فضای شهری در جهت مسیر راه‌هایی که از قلعه به بیرون امتداد می‌یافت، مشخص می‌شد. به گونه‌ای که بیشترین حجم فضاهای شهری (چون بناها، مساکن، اماکن کسب و کار و نیز تأسیسات عمومی) در امتداد خیابان‌های اصلی تا محل دروازه‌های شهر استقرار می‌یافت (پوپ: 174 - 175؛ بررسی روند تکوین شهر نیشابور براساس الگوی مورد بحث، در حاکم نیشابوری 1377: 197 - 199؛ نیز، ذکاء: 209؛ اعتماد 1363: 12 - 119).

البته در سده‌های میانه این الگوی گسترش شهر بیشتر در نقاطی به چشم می‌خورد که در آن شهرها از سطح رشد اجتماعی و اقتصادی کمتری برخوردار بوده، یا به دلیل آن که آن شهرها از موقعیت مرزی برخوردار بودند، کارکردهای نظامی آن‌ها بر سایر کارکردهای شهری آن شهرها غلبه داشت.

6 - گاه شکل گسترش و تحولات کالبدی شهرها تحت‌تأثیر مناسبات تجارت فرامنطقه‌ای قرار داشت: راه‌های تجاری و کاروان‌رو، که از طریق آن‌ها مبادلات و نقل و انتقالات کالاها و مال‌التجاره‌ها صورت می‌پذیرفت، در مسیر یکی از خیابان‌های دوگانه (اصلی) شهر امتداد می‌یافت و این امر باعث می‌گردید تأسیسات، اماکن و بنگاه‌های اقتصادی و مشاغل خدماتی وابسته و مرتبط با این فعالیت‌ها در امتداد آن راه‌ها برپا گردد. شکل صلیبی بسیاری از بازارهای شهرهای ایران براساس چنین روندی ظاهر شده بود.

به‌طور کلی به دلیل آن که شهر کانون عملیات مختلف تجاری و مبادله‌ای تجارت کاروانی با بازار منطقه شهری و سایر بازارهای محلی بود، با بروز تغییرات اساسی در حوزه‌های اقتصادی واقع در سرزمین ایران یا سرزمین‌های مجاور تأثیرگذاری مناسبات تجاری فرامنطقه‌ای در به‌وجود آوردن تغییرات شکلی در شهرها نوسان می‌یافت. هنگامی که مناسبات اقتصادی در یکی از حوزه‌های اقتصادی رشد پیدا می‌کرد افزایش مبادلات اقتصادی بین آن حوزه و سایر حوزه‌ها سبب می‌گردید فضاهای شهری در امتداد خطوط ارتباطی که آن حوزه را به سایر حوزه‌های اقتصادی وصل می‌کرد، گسترش پیدا نمایند. برای مثال هنگامی که راه تجاری خراسان به بندر هرمز در نتیجه تغییر و تحولات سیاسی و اقتصادی مهم قرون

شش و هفت هجری اهمیت بسیاری پیدا کرد، در شهری چون کرمان که در مسیر راه تجاری مزبور قرار داشت، رشد تراکم جمعیت، فعالیت اقتصادی و گسترش فضاهای مرتبط، در سمت محلات غربی شهر شتاب گرفت و موازی با آن روند برپایی شکل آغازین بازار قدیم کرمان در کنار محله «عادل شاه»، که در امتداد این راه واقع بود، نیز در جریان بود (پوراحمد 1374 جلد دوم: 52 - 81؛ درباره شهرری، کریمان 1345 جلد اول: 197؛ درباره لار، ضیاءتوانا 1380: 21 - 22).

نوع راهها در توسعه یا پیدایش شهرها تأثیرگذار بودند (خیرآبادی: 60 به بعد؛ و بازارها در دو طرف خیابانهای اصلی در شهرهای اسلامی آرایش می‌یافتند، عبدالستار عثمان 1376: 312 - 313).

7 - الگوی عمران «حومه» شهر و استقرار فضاهای شهری در باغها و مزارع مفرح واقع در پیرامون شهر نیز از جمله روشهایی بود که در روند ایجاد تغییر در شکل و کالبد برخی شهرها تأثیرگذار بود. احداث باغها و تفرجگاههای اعیان و اشراف در حومه شهر که توأم با بنیادگذاری برخی تأسیسات شهری در آن منطقه بود، شکل گسترش فضا و کالبد شهری را تحت تأثیر خود قرار می‌داد (در مورد شهر بخارا، نرشخی 1363: 40 - 41؛ شهر یزد، کاتب‌یزدی 1317: 80؛ در: قندیه و سمریه (دو رساله در تاریخ مزارات و جغرافیای سمرقند)؛ 1367: 144).

یک نمونه از انجام چنین اقداماتی و نتایج آن در دوره سلجوقیان، حکایت زیر است: «سلطان محمدبن محمود سلجوقی بر در شهر همدان کوشکی بنا کرد و امراء وی آلات کوشکهای قدیم به این موضع نقل کردند و لشکرگاهی ساختند و کوشکهای بسیار بنا نهادند» (راوندی 1364: 265).

گونه دیگر این روال به صورت توجه ناگهانی جمعیت و ساخت و ساز اماکن مسکونی در یک منطقه از حومه شهری دیده می‌شد که در نتیجه آن استقرارگاه جدیدی در مجاورت شهر اصلی برپا شده و به تدریج به کالبد اصلی شهر پیوسته می‌شد (پوپ: 173 - 175).

گاه روال دیگر گسترش شکلی و کالبدی شهر در پی بنیادگذاری دیههایی در زمینهای حاصلخیز واقع در منطقه شهری متحقق می‌شد. در جریان رشد آن برخی از روستاهای مجاور شهر که توأم با توسعه کالبدی شهر از سوی دیگر بود، به تدریج واحدهای روستایی در کالبد شهر - به عنوان یک محله - ادغام می‌شد. برای مثال، در گزارش حاکم نیشابوری از

شهر نیشابور، بخشی اختصاص به ذکر «قری و قنواتی که بر حوالی شهر و قهندز بوده و به دلیل ازدیاد عمارات در شهر و سور، داخل شد و باغات و بساتین محلات شهر گشت» دارد. (حاکم نیشابوری 1377: 199). وی در جای دیگری می‌آورد که «... این مجموع قنوات و قری بود بر جوانب شهر، به کثرت عمارت همه محلات و کوچه‌ها شهر شد و باغات و بساتین و مقابر آن در محلات داخل گشت...» (همان: 200). در شهر یزد باغی را که احمدبن محمد زمجی در اوایل دوره عباسیان در اطراف شهر احداث کرده بود، در قرون بعدی «حال آن باغ به محله و خانه تبدیل شده، در داخل شهر» (کاتب‌یزدی 1317: 58 - 60؛ مقایسه با روال توسعه شهر دمشق در حومه آن، زیاده 1366: 83 - 97).

در برخی مواقع نیز بنا به ضرورت‌هایی که در اثر مشکلات به وجود آمده در روال زندگی شهرها بروز می‌کرد، اجرای برنامه‌های عمرانی و گسترش فضاهای ضروری برای رشد فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی در خارج از محیط شهری در دستور کار حکام قرار می‌گرفت. نمونه‌ای از چنین مشکلاتی در ادوار بعد و در دوره شاه عباس اول، در شهر اصفهان رخ داد و به مسئله حق مالکیت اراضی در قسمت قدیمی شهر و به ویژه مسئله موقوفات مرتبط می‌شد (مومنی 1377: 176).

### نتیجه‌گیری

در مطالعه حاضر، با عنایت به روش مطالعه ریخت شهر، تحلیل کالبد شهری و فهم مناسبات اجتماعی مسلط در شهر، که در نهایت روندهای ریخت‌زایی شهری را به سامان می‌آورد، موضوع علل بروز تغییرات در الگوی کالبدی و شکلی شهرهای ایرانی مورد بررسی قرار گرفت و دو دسته عامل در این تغییرات مورد توجه قرار گرفت: عوامل بیرونی مؤثر در ایجاد تغییر در شکل شهر (مانند حکومت، اراده نخبگان سیاسی - اداری شهری و...) و عوامل درونی شهر (مانند رشد مناسبات اقتصادی و اجتماعی شهری). نتایج مباحث چنین مشخص می‌نمایند که نمی‌توان تغییرات شکل شهری را تنها متأثر از تغییرات مناسبات درونی جامعه شهری دانست.

نتایج این بحث نشان می‌دهد کاربست روش ریخت‌شناسی شهری برای تحلیل مناسبات درونی جامعه شهری در ادوار قرون میانه تاریخ ایران باید جانب احتیاط را در نظر داشت و نقش عوامل بیرونی در ایجاد تغییرات در کالبد و فضای شهری را که در مطالعات

ریخت‌شناسی شهری کمتر به آن توجه می‌شود مدنظر قرار داد. در واقع، بنا به صورت‌بندی اجتماعی - اقتصادی جامعه ایران در سده‌های میانه، حکومت به منزله نیروی متفوق در جامعه، نقشی به مراتب فراتر از سایر ساختارهای جامعه برعهده داشت و براساس موقعیت فراساختاری که از آن برخوردار بود، در مناسبات اقتصادی و اجتماعی جامعه شهری و روستایی و حتی کوچرویی دخالت‌هایی می‌کرد که در تحلیل مناسبات شهری باید مورد توجه قرار گیرد.

## منابع

- این‌بلخی، 1374. فارسانامه، توضیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- این‌خلدون، ولی‌الدین عبدالرحمن بن محمد... بن عبدالرحمن، 1369. مقدمه و ترجمه محمد پروین گنابادی، جلد اول، چاپ هفتم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، جلد دوم، 1369. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- این‌رسته، احمدین عمر، 1380. *الاعلاق النفیسه*، ترجمه و تعلیق حسین قره‌چانلو، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- این‌فقیه، ابوبکر احمدین محمدین اسحاق همدانی، 1349. *ترجمه مختصرالبلدان*، ترجمه ح. مسعود، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابوعبدالله محمدین عبدالله بن حمدویه حاکم نیشابوری، 1357. *تاریخ نیشابور*، ترجمه محمدین حسین خلیفه نیشابوری، با مقدمه و تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگه.
- احسن، محمدمناظر، 1369. *زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اشپولر، بارتولد، 1368. *تاریخ مغول*، ترجمه محمود میرآفتاب، چاپ سوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- اشرف، احمد، 1353. "ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران"، *نامه علوم اجتماعی، مجله دانشکده علوم اجتماعی و تعاون*، تهران: دانشگاه تهران، دوره اول، شماره 4: 7 - 49.
- اعتضادی، لادن، 1374. "نیشابور (برشهر)، سیر تحول و اصول ساخت و سازمان شهری"، *صفه*، شماره 19 - 20: 21 - 35.



- اعتماد، گیتی و حسامیان، خسرو. 1363. شهرنشینی در ایران. تهران: آگاه.
- افسر، کرامت‌الله. 1347. تاریخ بافت قدیمی شیراز. چاپ دوم. تهران: نشر قطره - انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- افضل‌الدین کرمانی، ابوحامد بن‌حامد. 1373. سلجوقیان و غز در کرمان. تحریر میزرا محمدابراهیم خبیصی. مقدمه و تصحیح و تحشیه محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: کورش.
- امین، حسین. 1385. تاریخ العراق فی العصر السلجوقی. بغداد: مطبعه الارشاد.
- اهلرز، اکارت. 1373. "شهر شرق اسلامی - مدل و واقعیت"، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. تحریر جدید از محمدحسن ضیاء‌توانا و مصطفی مؤمنی. شماره یک: 27 - 65.
- اهلرس، اکارت. 1380. ایران (شهر، روستا، عشایر). ترجمه عباس سعیدی. تهران: نشر منشی.
- بارتولد، و. 1366. ترکستان‌نامه (ترکستان در عهد هجوم مغول). دو جلد. ترجمه کریم کشاورز. چاپ دوم. تهران: آگاه.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم. 1366. "کرمان"، شهرهای ایران. به کوشش محمدیوسف کیانی. تهران: سازمان انتشارات وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی. جلد دوم. 195-206.
- بنداری اصفهانی. 1356. تاریخ سلسله سلجوقی. ترجمه محمدحسین خلیلی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- بولت، ریچارد. "بازشناسی و جمعیت‌شناسی نیشابور قرون وسطایی"، آینده. ترجمه علی انوری. شماره 8: 512 - 512.
- بیانی (ندوشن)، شیرین. 1377. تیسفون و بغداد درگذر تاریخ. تهران: جامی.
- بیرشک، ثریا. 1383. "چگونگی روند توسعه و تکامل شکل‌گیری شهر کاشان در بستر تاریخ"، مجموعه مقالات تاریخ معماری و شهرسازی در ایران. جلد سوم. 383 - 340.
- پوپ، آرتور. "نقشه شهرها"، مجله آستان قدس. ترجمه محمدعلی صبوری. شماره 199: 4 - 160.
- پوراحمد، احمد. 1374. "ساخت و ساز فضایی سنتی شهر کرمان"، مجموعه مقالات دومین سمینار و دهه کرمان‌شناسی. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی. جلد دوم. 51 - 72.
- جانب‌اللهی فیروزآبادی، محمدسعید. 1374. "نقش قنات و شبکه زمین‌های زراعتی در معماری سنتی شهرهای حاشیه کویر (نمونه میبد)"، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. جلد اول. 375 - 383.

- جاویدان، محمدعلی. 1378. "کرخ، مرکز تشیع در بغداد،" وقف، میراث جاویدان. شماره 1 و 2: 122 - 131.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد. 1368. *اشکال العالم*. ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب. با مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری. مشهد: شرکت به نشر.
- حافظ ابرو. 1349. *جغرافیای حافظ ابرو، قسمت ربع خراسان، هرات*. به کوشش نجیب مایل هروی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- حیبی، حسن. 1378. *از شار تا شهر (تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، تفکر و تأثر)*. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.
- حسینی یزدی، محمد. 1326. *العراضه فی الحکایه السلجوقیه*. به کوشش کارل زوسهپایم. قاهره.
- حمدالله مستوفی قزوینی. 1362. *تاریخ گزیده*. به اهتمام عبدالحسین نوایی. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- \_\_\_\_\_ 1378. *نزه القلوب*. به تصحیح و تحشیه محمددبیر سیاقی. تهران: نشر طه.
- خواجہ سمرقندی، ابوطاهر. 1367. *سمریه، (رساله در جغرافیای سمرقند)*. به کوشش ایرج افشار. تهران: مؤسسه فرهنگی جهانگیری.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین حسینی. 1372. *مآثرالملوک*. به ضمیمه خاتمه خلاصه الاخبار و قانون همایونی. به تصحیح میرهاشم محدث. تهران: رسا.
- خیرآبادی، مسعود. 1376. *شهرهای ایران*. مترجمان حسین حاتمی نژاد و عزت‌الله مافی. مشهد: نیکا.
- داب، موریس. 1379. *مطالعاتی در زاد و رشد سرمایه‌داری*. ترجمه حبیب‌الله تیموری. تهران: نشر نی.
- دروثو، ماکس. 1374. *جغرافیای انسانی*. ترجمه سیروس سپه‌امی. تهران: راین.
- دهستانی، حسین بن اسعد. 1355. *ترجمه فرج بعد از شدت*. جلد اول. مقابله و تصحیح اسماعیل حاکمی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران. 1360. جلد دوم. 1363. جلد سوم. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ذکاء، یحیی. 1374. "مفهوم دژ و ارگ یا هسته مرکزی ایجاد شهرها در ایران"، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. 5 جلد. به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: سازمان میراث فرهنگی. 209 - 224.
- \_\_\_\_\_ 1366. "تبریز"، *شهرهای ایران*. به کوشش محمدیوسف کیانی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. جلد سوم. 151 - 202.

- راوندی، محمدبن علی بن سلیمان. 1364. *راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق*. به سعی محمد اقبال. به انضمام حواشی و فهارس مجتبی مینوی. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- زیاده، نیکلا. 1366. *دمشق در عصر ممالیک*. ترجمه امیر جلال‌الدین اعلم. چاپ دوم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- سدیدالدین غزنوی، خواجه محمد. 1345. *مقامات ژنده پیل (احمد جام)*. با مقدمه توضیحات و فهارس حشمت‌الله مؤید سنندجی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- سلطان‌زاده، حسین. 1370. "واحدهای محله‌های مسکونی در شهرهای ایران"، *شهرهای ایران*. به کوشش محمد یوسف کیانی. جلد سوم. 350 - 419.
- \_\_\_\_\_ 1366. "نائین"، *شهرهای ایران*. به کوشش محمد یوسف کیانی. تهران: سازمان انتشارات وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی. جلد دوم. 232 - 275.
- \_\_\_\_\_ 1367. *مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران*. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- \_\_\_\_\_ 1372. "تاثیر اسلام در ساخت شهر"، *مجله معماری و شهرسازی*. شماره 25 - 26: 44 - 51.
- \_\_\_\_\_ 1377. *معماری و شهرسازی ایران به روایت شاهنامه فردوسی*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- \_\_\_\_\_ 1380. *بازارهای ایران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شکویی، حسین. 1374. *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*. دو جلد. چاپ دوم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- شیخلی، صباح‌ابراهیم سعید. 1362. *اصناف در عصر عباسی*. ترجمه هادی عالم‌زاده. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ضیاء‌توانا، محمدحسین. 1370. "محله، بافت و ساختار آن در شهرهای شرق اسلامی"، *مجله علوم زمین*، نشریه دانشکده علوم زمین. تهران: دانشگاه شهید بهشتی. دوره جدید. شماره 1: 173 - 199.
- ضیاء‌توانا، محمدحسین. 1380. *بازار قیصریه لار*. تهران: نشر نی.
- ظهیری نیشابوری، خواجه امام. 1332. *سلجوقنامه به همراه ذیل سلجوقنامه*. تألیف ابو‌حامد محمدبن ابراهیم. به اهتمام میرزا اسماعیل خان حمیدالملک افشار. تهران: کلاله‌خاور.
- عبدالستار عثمان، محمد. 1376. *مدینه اسلامی*. ترجمه علی چراغی. تهران: امیرکبیر.

- غزنوی، خواجه سدیدالدین محمد. 1340. مقامات ژنده پیل. به تصحیح، مقدمه و توضیحات حشمت‌الله مؤید سندی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- غفوروف، باباجان. 1337. تاجیکان؛ تاریخ قدیم، قرون وسطی و دوره نوین. جلد یک و دو. تاجیکستان: انتشارات عرفان.
- فخر مدیر، محمدین منصور مبارکشاه. 1346. آداب الحرب و الشجاعة. تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: اقبال.
- فرای، ریچارد نلسون. 1348. بخارا، دستاورد قرون وسطی. ترجمه محمود محمودی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- فهد، بدری محمد. 1387. العامه ببغداد فی القرن الخامس الهجرى. بغداد: مطبعه الارشاد.
- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود. 1373. آثار البلاد و اخبار العباد. ترجمه با اضافات جهانگیر میرزا قاجار. تصحیح و تکمیل میرهاشم محدث. تهران: امیرکبیر.
- کاتب یزدی، احمد بن حسین بن علی. 1317. تاریخ جدید یزد. یزد: گلپهار.
- کریمان، حسین. 1345. ری باستان. جلد اول. تهران: انجمن آثار ملی. جلد دوم. 1371. تهران: دانشگاه شهید بهشتی. بخش اول و دوم. چاپ دوم.
- کیانی، محمدیوسف. 1374. تاریخ هنر معماری ایرانی در دوره اسلامی. تهران: سمت.
- گرابره، اولگ - هیل. 1375. درک: معماری و تزئینات اسلامی. ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- لاپیدوس، ایرام. 1376. تاریخ جوامع اسلامی. جلد اول. از آغاز قرن هجدهم. جلد دوم. قرون نوزدهم و بیستم. ترجمه محمود رمضان‌زاده. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- لسترنج، گای. 1367. جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان. چاپ سوم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مجابی، مهدی. 1378. "نظریه توسعه تاریخی شهر قزوین، (بخش دوم)"، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. سه جلد. به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور. جلد دوم. 461 - 514.
- محمد بن منور بن ابی سعد بن ابی طاهر بن ابی سعید میهنی. 1361. اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید. چاپ پنجم. به اهتمام ذبیح‌الله صفا. تهران: امیرکبیر.

- معیری، هایده. 1371. "مرو کهن"، مجله تحقیقات تاریخی. شماره 6 - 7 : 70 - 7.
- مقدس، ابوعبدالله محمدبن احمد. 1361. *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*. ترجمه علی نقی منزوی. دو جلد. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
- موسوی، احمد. 1376. "دژ شهرهای گرد ایرانی در عصر اوستا"، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. 5 جلد. به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: سازمان میراث فرهنگی. جلد اول. 481 - 487.
- مؤمنی، مصطفی. 1377. پایگاه علم جغرافیا در ایران؛ (پایگاه جغرافیای شهری در ایران). جلد اول. تهران: فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران.
- میرجعفری، حسین. 1361. *منازعات نعمتی و حیدری در ایران، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*. دوره دوم. شماره 1: 117 - 155.
- میشل، جورج (ویراستار). 1374. *پایتخت‌های ایران*. به کوشش محمد یوسف کیانی. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- \_\_\_\_\_ 1380. *معماری جهان اسلام - تاریخ و مفهوم اجتماعی آن*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: مولی.
- نرشخی، ابوبکر محمدبن جعفر. 1363. *تاریخ بخارا*. ترجمه ابونصر احمدبن محمدبن نصر القباوی. تلخیص محمدبن زفر بن عمر. تصحیح و تحشیه محمدتقی مدرس رضوی. چاپ دوم. تهران: توس.
- وهاب‌زاده، عبدالرحمان. 1374. "تاریخچه برج و باروی شهر تبریز"، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. جلد سوم. 71 - 88.
- یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابن عبدالله. 1347. *برگزیده مشترک یاقوت حموی*. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: ابن سینا.
- \_\_\_\_\_ 1380. *معجم البلدان*. ترجمه علی نقی منزوی. جلد اول. بخش نخست. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- یعقوبی، ابوالعباس احمدبن یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح کاتب عباسی. 1346. *ترجمه مختصر البلدان*. ترجمه ح. مسعود. تهران: شرکت ترجمه و نشر کتاب.
- \_\_\_\_\_ 1367. *قندیه و سمریه (دو رساله در تاریخ مزارات و جغرافیای سمرقند)*. به کوشش ایرج افشار. تهران: مؤسسه فرهنگی جهانگردی.

یوسفی فر، شهرام. 1384. "تأملی در مقوله شکل شهر در سده‌های میانه تاریخ ایران"، فرهنگ، ویژه تاریخ. شماره چهارم: 217 - 261.

Binanquis, T.H. and P. Guichard and A. Raymond and Sarab Atassi and others. "SUK", *Encyclopedia of Islam*. Vol. 6, pp: 780 - 801.

Northedge, Sur. 1997. *Encyclopedia of Islam*. Vol. 9. Brill. Liden, pp: 881-883.

Shahbazi, Shapur and Bosworth, Edmund. C: *Capital Cities*, "Islamic Times", *Encyclopedia of Iran*. vol. IV, pp: 771- 774.





## الگوهای گسترش کالبدی شهر در سده‌های میانه تاریخ ایران

\* شهرام یوسفی فر  
پژوهشگاه علوم انسانی

### چکیده

مطالعه الگوهای رشد کالبد و فضاهاى شهری در دوره سده‌های میانه و تحلیل ارتباط آن تحولات با تغییرات اجتماعى - اقتصادى که در شهرها رخ می‌داد، امکان بازشناسى و تبیین نقش نیروهای اجتماعى در زندگى شهری و نیز فرایند بروز تغییر در شکل شهرها را فراهم می‌آورد. بر این اساس، رشد و گسترش شکل شهر به مانند انعکاسى از مراحل انکشاف و تغییرات اجتماعى درون شهرها محسوب می‌شود. در مطالعه حاضر، موضوع علل بروز تغییرات در الگوی کالبدی و شکلی شهر ایرانی مورد بررسی قرار گرفته، این تغییرات با عنایت به دو دسته عوامل بیرونی (حکومت، اراده نخبگان سیاسى - ادارى شهری و...) و عوامل درونی (رشد مناسبات اقتصادى و اجتماعى شهری) مورد ارزیابى قرار می‌گیرد. مسئله پژوهش گفتار حاضر چنین است: تحولات و تغییراتى که در مناسبات شهری ایران روی می‌داد؛ تا چه میزان از تغییر شرایط درونى، یعنى ناشى از رشد و تکامل مناسبات اقتصادى - اجتماعى شهری؛ و تا چه میزان از شرایط و عوامل تأثیرگذار بیرونی، که بر زندگى اجتماعى - اقتصادى شهری مؤثر بودند، تأثیر می‌پذیرفت؟

کلیدواژه‌ها: تاریخ ایران، قرون میانه، شهرنشینی، شکل شهر، محله، روض، بازار، کهن دژ، فضای شهری، کالبد شهری، موقوفات شهری.

### The Spreading Patterns of Iranian Towns in Middle Ages

Shahram Yousefi Far, Ph.D.  
Assistant Professor, Department of History  
Research Centre in Human Sciences

#### Abstract

Studying the paradigms of growing city spaces and shapes during the middle ages and analyzing the relation of that with socio-economic changes which occurred in cities make it possible to recognize the role of social forces in civil life and also the process of changing in town forms. According to this, expanding the form of city is like a reflection of social changes of inner cities. In this article, the reasons of changes in the shape of Iranian city is surveyed and these changes will be studied by attending to inner and outer factors. The question is: How much would the changes which happened in city relations of Iran be affected by changing of inner conditions and growing of city socio-economic relation and how much would be affected by outer reasons and condition that influence socio-economic city life?

Keywords: Saljuqid, urbanism, city space, middle ages, town forms, socio-economic history.

\* دکترای تاریخ از دانشگاه شهید بهشتی، استادیار پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

## مقدمه

بدون تردید برای مطالعه ابعاد مختلف زندگی سیاسی - اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر شهر، به انبوهی از اطلاعات و داده‌های گوناگون نیاز داریم که با اتکا به آن مستندات، تحلیل و ارزیابی درخوری از مناسبات شهری ادوار گوناگون تاریخ ایران را به دست داد. مرور اجمالی عناوین کتاب‌هایی که در مورد تاریخ شهرهای ایران به نگارش درآمده‌اند، چنین می‌نمایند که محققان علاقه‌مند به مطالعه تاریخ شهر در ایران، با منابع غنی و اطلاعات وافر در این خصوص روبه‌رو هستند. در حالی که واری داده‌های موجود در کتاب‌های مورد نظر حکایت از آن دارد که اطلاعات موجود در تواریخ شهری، متأثر از رویکرد و علایق مؤلفان این‌گونه کتب، بر آن بوده‌اند که در باب موضوعاتی چون شرح حال معارف دینی و سیاسی، مقابر اولیا و مشایخ، ذکر بناهای مهم و نظایر این‌ها اطلاعاتی را جمع‌آوری و مدون نمایند. در حالی که برای مطالعه و تحقیق در مورد ابعاد گوناگون زندگی شهرهای تاریخی ایران، از جمله سیر تحولات کالبدی و فضاهای مختلف آن، تغییرات اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی شهر نظایر این موضوعات مهم، نیازمند داده‌ها و اطلاعات وسیع و متفاوت با آنچه در کتب معروف تاریخ شهرها وجود دارد، هستیم.

با آن که کاوش‌های باستان‌شناسان و تحقیقات صاحب‌نظران رشته معماری و شهرسازی برخی اطلاعات مهم و ارزشمند در باب ویژگی فضا و کالبد شهرهای گذشته در اختیار علاقه‌مند می‌گذارد، اما فهم و تحلیل مناسبات شهری در ادوار تاریخی نیازمند آن است که گستره مختلف و متنوعی از داده‌ها و اطلاعات در اختیار باشد، تا مبنای تحقیقات پایه‌ای و محکم در خصوص شهرهای تاریخی ایران قرار گیرند.

بدون تردید لازم است برای فراهم‌آوری اطلاعات مورد نیاز پژوهش‌های دقیق در مورد زندگی تاریخی شهرهای ایران، از روش‌های کارآمد و مطمئنی که برای مطالعه زوایای مختلف زندگی شهری تعریف شده و به کار گرفته می‌شود، بهره‌برداری کرد. کاریست چنین رویکردی سبب می‌گردد اطلاعات موجود در منابع تاریخ شهرها و سایر منابع تاریخی، قابلیت تفسیر و تأویل موضوعی پیدا نموده‌گونه‌های جدیدی از استنباط‌های تاریخی در اختیار محققان قرار گیرد.

در گفتار حاضر، با تکیه بر روش مطالعه «ریخت شهر»، برخی ملاحظات درباب اشکال مختلف رشد کالبد و فضای شهری در سده‌های میانه و ارتباط آن تحولات با تغییرات اجتماعی - اقتصادی شهرها، مطرح می‌گردد.

روش مطالعه ریخت (morph) شهر به مانند روشی کارآمد در تحلیل و ارزیابی فضاهای شهری و فهم مناسبات اقتصادی - اجتماعی مسلط در ادوار مختلف جامعه شهری در نظر گرفته می‌شود. کاربرست این روش، به ویژه برای مطالعه تاریخی آن دسته از شهرهایی که اطلاعات و گزارش‌های اندکی درباره مناسبات اجتماعی آن‌ها در اختیار است، سوده‌های بسیاری در بردارد. از طریق مطالعه ریخت شهر، بررسی عمیق‌تر موضوع‌های مختلف امکان‌پذیر می‌گردد؛ زیرا مطالعه و تحلیل عناصر کالبدی ویژه و اصلی که در ریخت یک شهر وجود داشته یا دارد، امکان بازشناسی و تبیین نقش نیروهای اجتماعی در زندگی شهری و بروز تغییر در شکل شهرها را فراهم می‌نماید؛ که براساس آن شناسایی و تبیین گرایش‌های اجتماعی - اقتصادی که در ایجاد تحول در جامعه شهری مؤثر واقع می‌شدند، امکان‌پذیر می‌گردد. در این زمینه، شهر از منظر روند سامان‌یابی شکلی، در سه دوره مطالعه می‌شود: «تکوین تاریخی شهر؛ الگویابی و شکل‌گیری کالبدی (دوره شکل‌گیری خیابان‌ها، راه‌ها و ظهور استخوان‌بندی شهر)؛ پیکربندی (ظاهر شدن مشخصات ریخت‌شناسانه شهر، روشن شدن رابطه بین کارکرد با ریخت‌شناسی شهر)» (ر.ک: شکوهی 1380: 264)، مطالعه تکوین تاریخی شهر روند گسترش و تغییر شکل شهرها را که براساس عوامل درونی یا بیرونی رخ می‌داد، نشان می‌داد؛ زیرا رشد و گسترش شکل شهر چون از یک سو به مانند انعکاسی از مراحل انکشاف و تغییرات اجتماعی درون شهرها محسوب شده و از سوی دیگر، تحت تأثیر دخالت عوامل بیرونی قرار دارد. مطالعه این موضوع امکان فهم و بررسی شرایط استمرار کارکردهای متفاوت شهر و شیوه سازگار شدن آن‌ها با شرایط جدید، افزایش کارکردهای تازه بر کارکردهای قبلی یا فروگذاری برخی کارکردها، در نزد شهرها را عملی می‌سازد. به همین ترتیب از طریق مطالعه تغییرات بافت و کالبد شهر می‌توان ادوار تاریخی رشد و توسعه شهر یا انحطاط و ضعف آن را تشخیص داد و براساس یافته‌های آن در مورد عوامل دست‌اندرکار توسعه و تکامل شهرها یا عوامل مؤثر در انحطاط وضعیت شهری در ایران را شناسایی کرد، به تحلیل و ارزیابی آن‌ها پرداخت.

در پژوهش حاضر، ابتدا برخی از زوایای تحولات رخ داده در شکل شهرهای ایران در سده‌های میانه مورد بررسی قرار می‌گیرد و در ادامه ارزیابی از نقش عوامل بیرونی و درونی مؤثر در ایجاد تغییرات اجتماعی و شکلی در شهر سده‌های میانه به‌دست داده خواهد شد. به نظر می‌رسد نتایج این بحث افزون بر آن که زمینه‌های ضروری برای فهم مناسبات

شهرنشینی در سده‌های میانه را تعمیق می‌بخشد، میزان کارایی روش‌های معمول در بررسی و ارزیابی مناسبات شهرنشینی در مورد شهرهای کهن ایران را نیز در معرض آزمون جدی قرار می‌دهد.

### ملاحظات آغازین

در پژوهش حاضر مسأله مورد نظر به این شرح مطرح شده است که تحولات و تغییراتی که در مناسبات شهری ایران روی می‌داد، تا چه میزان از تغییر شرایط درونی، یعنی ناشی از رشد و تکامل مناسبات اقتصادی - اجتماعی شهری، بود و تا چه میزان از شرایط و عوامل تأثیرگذار بیرونی، که بر زندگی اجتماعی - اقتصادی شهری اثرگذار بودند، تأثیر می‌پذیرفت؟ براساس چنین رویکردی به موضوع، می‌توان پرسید که: مهم‌ترین علت‌های بروز تغییرات در کالبد شهر قرون میانه چه بودند؟ آیا بروز تحول در شکل شهر را می‌توان به معنای وقوع تحول در مناسبات جامعه شهری دانست؟ برای آن که این مسأله مورد پژوهش قرار گیرد، ضمن بررسی عوامل مؤثر در رشد و گسترش شکل شهرهای ایران در سده‌های میانه، الگوهای مختلفی را که در این روند وجود داشتند، مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌دهیم.

### الف - بنیان‌گذاری محله

مفهوم محله و ویژگی‌های تاریخی و سازمانی آن در شهرهای ایران، موضوع بحث مستقل و گسترده‌ای است که تاکنون از منظر تاریخ شهری به آن پرداخته نشده است (بررسی برخی خطوط کلی این موضوع، در: ضیاءتوانا 1370: 173 - 199).

وقوع تحولات سیاسی - اجتماعی یا شتاب گرفتن روند رشد مناسبات اجتماعی - اقتصادی در شهرها سبب می‌گردد بر شمار نفوس شهر، یا حجم فعالیت‌ها افزوده گردد که خود این امر نیاز به فضاهای کالبدی و زیستی جدید، یا بروز تغییرات در درون کالبد شهر را اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت. در این مواقع، به دلیل موانعی که در برابر ایجاد تغییر در بافت کالبدی شهر (از جمله وجود بناهای وقفی یا موانع حقوقی ناشی از مالکیت مستغلات و نظایر این‌ها، ر.ک: مومنی: 1377)، وجود داشت، یکی از رویه‌های معمول برای حل و فصل چنین مشکلاتی از روش بنیان‌گذاری محله یا محله‌های جدید در منطقه‌ای که در خارج از فضای کالبدی شهر قرار داشت، استفاده می‌شد. سیر برپاسازی محله‌های جدید گاه بنا به اراده

دست‌اندرکاران اجرای برنامه‌های عمران شهری و تابع یک الگوی اندیشیده شده شهری متحقق می‌گردید، یا به صورت روالی خود به خودی و طبیعی منجر به ظهور محله‌ای جدید می‌شد. با عنایت به این که رویه مورد بحث یکی از مهم‌ترین و شایع‌ترین الگوهای گسترش شکلی - کالبدی شهرها به‌شمار می‌رفت، می‌توان از طریق مطالعه و بازشناسی نقش عوامل مؤثر در این روند، وضعیت نیروها و جریان‌های سیاسی - اجتماعی و اقتصادی مؤثر در ایجاد تغییرات شکلی در شهرهای سده‌های میانه را مطالعه نمود. در ادامه، ضمن بررسی روال‌ها و تجربیات مختلف پیدایش محله/ محله‌ها در شهرهای ایران، عوامل درونی و بیرونی مؤثر در این روند را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۱- وقوع جریان تغییرات و تحولات شدید سیاسی که گاه توأم با بروز تغییر در قشر حاکم شهرها بود (به منزله پیامد تغییر حکومت یا سلطه اقوام خارجی بر کشور)، به مانند عاملی مهم در روند پایه‌گذاری محله (یا محله‌های) جدید در شهرها محسوب می‌شد. در این مواقع گروه‌های تازه وارد برای آن که هم قدرت خود را بر شهر و شهریان تحکیم نموده، هم از فرصت اسکان در منطقه شهری برخوردار شوند، چند گزینه در برابر داشتند؛ در بیشتر مواقع حاکمان جدید مرکز و منطقه اصلی شهر را، که مهم‌ترین تأسیسات شهری و نظامی و سیاسی در آن‌جا قرار داشت، برای سکونت برمی‌گزیدند. در این صورت جماعتی که از قبل در منطقه شهری مزبور سکونت یافته بودند، ناگزیر آن‌جا را ترک و در مکان دیگری اسکان می‌گزیدند. در نتیجه، افزون بر آن که محله‌ای جدید در فضایی پیوسته به کالبد اصلی شهر برپا می‌گردید، برخی جنبه‌های کالبد پیشین شهر نیز گسترش می‌یافت. برای نمونه، در پی ورود فاتحان عرب مسلمان به شهر بخارا چنین تجربه‌ای تحقق یافت: قتیبه ابن مسلم پس از آن که شهر بخارا را به تصرف درآورد، دستورهایی را صادر نمود که آن قوم **کشکشان** نیمی از خانه و ضیاع خود را به عرب‌ها مصالحه کرده و به بیرون از شهر بروند و در آن‌جا کوشک‌هایی برای خود بسازند. بعدها در جریان توسعه کالبد شهر، آن منطقه جدید الاحداث جزو منطقه شهری بخارا درآمد (نرشخی 1363: 41 - 42؛ بارتولد 1366 جلد اول: 255).

بروز تغییر در وضعیت فضای شهری، گاه در اثر تهاجم شماری از اقوام (قبیله کوچرو یا جماعات دیگر) مهاجم به سرزمین ایران رخ می‌داد که در جریان آن اقوام مزبور به منزله نیروهای نظامی/ اجتماعی حامی حکمران جدید ناگزیر یا به میل در شهرها اسکان می‌یافتند. ضرورت‌های امنیتی - سیاسی سبب می‌گردید این گروه‌های تازه وارد در منطقه‌ای خارج از

کالبد شهر اسکان داده شوند و فضاهای شهری مناسب برای برآوردن نیازهای آنان برپا شود. جریان استقرار یابی بخشی از جماعات مهاجر یا مهاجم در یک شهر وضعیت ویژه‌ای را به نظام محله‌ای شهرهای ایرانی در سده‌های میانه تحمیل می‌کرد که از آن جمله می‌توان به هویت اجتماعی - فرهنگی به نوبه مستقل برخی محله‌ها در شهرهای ایران اشاره کرد. این امر تأثیرات بسیاری در راستای حفظ بافت اجتماعی جماعات محله‌ای برجای می‌گذاشت.

به هر حال این جریان به سرعت پیدایش محله جدید در شهر را به دنبال داشت. ابن‌خلدون از روند استقرار جماعات صحراگرد در شهرها و نتایج آن در رشد محله‌های جدید شهری، بررسی مفصلی به دست داده است (ابن‌خلدون 1369 جلد اول: 723). در این وضعیت نامی که بر محله جدید گزارده می‌شد، یا جایگزینی مکانی محله‌های مزبور در فضایی واقع در مجاورت شهر و دیگر ویژگی‌ها، حکایت از منشأ سرزمینی یا نژادی مردمان اسکان یافته در آن محله داشت. برای مثال، در شهر نیشابور محله‌ای به نام حیره - در جهت دروازه مرو - وجود داشت که ظاهراً به دلیل آن که پیشینیان ساکنان آن محله از مهاجران حیره کوفه به آن جا آمده بودند، چنین نامیده می‌شد (حاکم نیشابوری 1375: 260؛ اشاراتی به این وضع در عهد مغول، اسپولر 1368: 446).

به جز جریان ورود گروه‌های مهاجم و فاتح به شهرها، وقوع مهاجرت‌های ناگهانی که در اثر بروز جنگ یا مصائب طبیعی و غیره یا مهاجرت‌های کوچک از روستا یا از شهرها به سوی یک شهر صورت می‌پذیرفت، به سرعت بافت و ترکیب جمعیتی شهر را دچار تغییر می‌کرد و مسایل اجتماعی بسیاری را در پی داشت.

از این رو به دلیل وجود چنین مسایلی در شهرهای قرون میانه و ضرورت چاره‌جویی برای آن‌ها مجموعه‌ای از متون، شامل آموزه‌ها و دستورالعمل‌هایی اجرایی و عملی، فراهم آمده بود که به مدیران شهری تعالیمی را در خصوص اسکان‌دهی و مکان‌یابی قبایل و گروه‌های اجتماعی مختلفی که برای اقامت وارد شهرها می‌شدند، ارائه می‌داد. براساس آن آموزه‌ها برای آن‌که از بسیاری مشکلات بعدی چنین تغییراتی پرهیز شود، لازم بود جماعت مزبور در محله‌های خاص و در صورت لزوم با حفظ فاصله از یکدیگر استقرار داده شوند (عثمان 1376: 115 - 116).

2 - گاه به دنبال بروز برخی تغییرات سیاسی، نظام توزیع قدرت سیاسی - نظامی در یک منطقه برهم می‌خورد و تحولات مختلفی در فضا و کالبد شهری به وجود می‌آید. این‌گونه



تحولات به اشکال مختلف بروز می‌کرد؛ گاه پس از آن که یک شهر به عنوان مقر سیاسی حکمران جدید یا عوامل او انتخاب می‌شد کارکردهای جدیدی که شهر براساس ضرورت‌های سیاسی - نظامی ناشی از موقعیت جدید پذیرا می‌گردید، سبب می‌شد عناصر جدیدی کالبد شهری تأسیس گردد (لاپیدوس 1376 جلد اول: 90 - 92). به این ترتیب تغییرات محسوسی در شکل شهر به وجود آمده و به تدریج نظام محله‌ای و ترکیب و شکل شهر تغییر می‌یافت. در راستای چنین تحولاتی، بیشتر حکامی که به ویژه سررشته حکومت را در پی تغییری سیاسی به دست آورده، یا از قدرت و امکانات مادی درخوری برخوردار بودند، به اجرای طرح‌های عمرانی مختلف یا برپایی مجموعه‌ای سیاسی - فرهنگی در خارج از فضای شهر تمایل نشان می‌دادند. برای مثال، در قرن چهارم قمری هنگامی که حکمران آل بویه شهر قزوین را به مانند پایگاهی برای مقابله با کوه‌نشینان شمال سرزمین ایران مورد توجه قرار دادند، ابتدا صاحب بن عباد شهر را براساس نه محله سازمان داد (که برخی از آن محلات نه‌گانه، قدیمی بودند) و سپس در جریان شکل‌گیری و رشد بعدی کالبد بازار، نظام محله‌ای جدیدی استقرار یافت (مجابی 1378 - 1379 جلد دوم: 264). در تجربه‌ای دیگر هنگامی که طاهریان نیشابور را به عنوان مقر حکومت خود انتخاب کردند نشیمن امرا در باغ شادیاخ بود، اما به تدریج جریان احداث عمارات در آن‌جا فزونی گرفت و عاقبت در قرن ششم قمری، آن محله شهر نیشابور شده بود (یاقوت حموی 1347: 20). در صورتی که چنین طرح‌هایی به ثمر می‌نشست، اندک زمانی پس از تکمیل شدن تأسیسات و فضای شهری جدید، گروه‌هایی از جماعت شهر که با بدنه سیاسی شهر ارتباط داشتند به آن منطقه جدید روی می‌آوردند و در نتیجه محله‌ای تازه شکل می‌گرفت. براساس چنین روندی بود که سمت‌گیری گسترش آتی شکل شهر، در جهت موقعیت مکانی فضای تازه احداث مشخص می‌گردید.

3 - افزون بر ملاحظات و شرایط سیاسی که حکام و کارگزاران حکومت را به اجرای سیاست‌های فعال شهرسازی رهنمون می‌ساخت، برخی انگیزه‌های دیگر نیز در این راستا پیامدهای این‌گونه در برداشت. برای مثال، گاه طرح‌ها و برنامه‌های عمران شهری با هدف سرمایه‌گذاری در بناها و تأسیسات زیربنایی شهری (مانند قنات‌ها، بازارها، حمام‌ها، میادین، و غیره) و جهت انتفاع از درآمدهای ناشی از اخذ اجاره بها از اماکن، فروش خدمات یا سایر درآمدهای این‌چنینی به اجرا در می‌آمد. انجام این طرح‌ها سبب می‌شد به تدریج بخشی از جمعیت اضافی شهر که از سر اضطرار به آن منطقه روی می‌آوردند و نیز گروهی دیگر از

شهریان که برای به دست آوردن موقعیت‌های اقتصادی، بیشتر ترجیح می‌دادند در منطقه‌ای که مؤسسه اقتصادی / اجتماعی جدید در آن جا برپا شده بود، استقرار پیدا کنند، در برپا شدن سریع محله‌ای جدید مؤثر واقع می‌شدند.

برپاسازی مؤسسات مختلف شهری در یک محله، اعتبار و اهمیت آن را به سرعت بالا می‌برد. برای مثال، امیر چخماق شامی در محله دھوک اسفل یزد مسجد جمعه، خانقاه، کاروانسرا، حمام، قنات‌خانه، بازار، چاه آب سرد و نظایر این‌ها ساخت «... آن محله را به این سبب قیمت افزود و مسجد جمعه را مسجد نو خواندند» (کاتب یزدی 1317: 105). از جمله مهم‌ترین مؤسسات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که تأسیس آن‌ها چنین وضعیتی را به وجود می‌آورد، می‌توان به بنیادگذاری مسجد، خانقاه، مدرسه، بازار، قنات و حتی مواردی چون گشودن درب جدید در حصار شهر، احداث میدان و نظایر این‌ها اشاره کرد (همان: 60).

این‌گونه محله‌های تازه احداث، به دلیل آن‌که بیشتر از سوی نخبگان سیاسی - اداری و اشراف شهری برای سکونت انتخاب می‌شد و نیز مؤسسات مهم شهری را دارا بود، تا مدت‌های مدید جزو مناطق مهم و گران قیمت شهری محسوب می‌گردید و تا هنگامی که بافت و کالبد آن منطقه کارکردهای اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی خود را در بافت کلی شهر از دست نمی‌داد، به منزله به مهم‌ترین بخش کالبدی شهر به‌شمار می‌رفت.

4 - همچنین رویه بنیادگذاری روستاها یا شهرک‌ها در مجاورت شهرهای بزرگ که توسط حکام و افراد منتفذ صورت می‌گرفت، نیز به تدریج سمت‌گیری آتی گسترش شکلی شهر را تعیین می‌کرد. بنیادگذاری روستا و دیه‌ها در منطقه‌ای واقع در بیرون شهر، بنا به اهداف مختلفی صورت می‌گرفت: گاه با سرمایه‌گذاری اشخاص یک رشته قنات در حاشیه شهر احداث می‌گردید، زمین‌های نامزروع آبیاری و کشت و زرع در آن منطقه رونق می‌گرفت. این امر بخشی از جمعیت و نیروی کار مازاد حاشیه شهر یا روستاهای مجاور به خود جذب می‌کرد و مناسبات روستایی را رونق می‌بخشید. گاه بنیادگذاری روستاها در مجاورت شهر به منظور برطرف ساختن بخشی از نیاز شهریان به مواد غذایی صورت می‌گرفت. همچنین گاه احیاء اراضی و احداث دیه‌ها برای وقف درآمدهای ناشی از آن برای مؤسسات تازه‌ساز شهری بود. سلغر شاه - جانشین محمودشاه، در دوره مغول - در یزد «... بر در شهر نزدیک محله یعقوبی دهی ساخت و قنات جاری کرد و آن را به اسم خود منسوب کرد و حال به سلغرآباد معروف است» (همان: 79). در مورد نیشابور اشاره شده است که «... قری و قنوات که بر

حوالی شهر و قهندز بوده، با ازدیاد عمارات در شهر و سور داخل شد و باغات و بساتین محلات شهر گشت (حاکم نیشابوری 1357: 199 - 200)، تجربه مشابهی در مورد شهر کاشان وجود دارد (بیرشک 1383 جلد سوم: 383). گاه از این گونه محلات شهر به عنوان محله‌های روستاوار شهر یاد می‌شود (اشرف 1353: 42). پایه‌گذاری روستاها براساس هریک از اهداف فوق، در اکثر مواقع پیامدهای یکسانی را در راستای گسترش کالبد شهری و ایجاد تغییر در شکل شهرها در برداشت.

بنیان‌گذاری شهرک‌های اقماری در پیرامون شهرهای بزرگ، تأثیرات گسترده‌تری در راستای بروز تغییرات شکلی در شهرها ایفا می‌کردند. بنیان‌گذاری شهرک «کرد فنا خسرو» در مجاورت شهر شیراز و نزدیک درب مسلم - در دوره آل بویه - انعکاسی از جهت‌گیری سیاست عمرانی حکومت‌ها در جهت فراهم آوردن شرایط و فضای شهری مناسب برای فعالیت گروه‌های شهری بود. عضدالدوله دیلمی، در قرن چهارم قمری، که شهر شیراز از نظر وسعت و جمعیت رشد زیادی کرده بود، تصمیم به بنیان‌گذاری این شهر گرفت (ابن بلخی 1374: 319 - 323؛ لسترنج 1367: 269؛ افسر 1367: 47 - 48). در این حالت الگوی گسترش شکل شهر براساس الگوی «توسعه برون کالبدی» تحقق می‌یافت.

گاه مهم‌ترین هدف بانیان چنین استقرارگاهی آن بود که بخش اضافی جمعیت شهری را سامان‌دهی نموده، به ویژه فضای کالبدی مناسب برای رشد مناسبات تولیدی که در کالبد شهری دچار تنگناها و دشواری‌هایی شده بود، تدارک ببیند. اطلاق نام دروازه «نو» در برخی شهرها حکایت از آن دارد که پس از آن که محله تازه‌ای در بخشی از شهر برپا می‌شد، تعبیه درب جدیدی در حصار شهر لازم می‌آمد تا تردد و دسترسی ارتباطی مردمان آن بخش از شهر را تسهیل نماید. برای مثال، در دوره صفاریان گشودن دروازه نو در شهر زرنج در پی ضرورت‌های ناشی از اقدامات عمرانی و شهرسازی یعقوب و عمر بن لیث در افزودن عناصر شهری جدید و احداث محله‌های جدید در شهر بود (جبهانی 1368: 161 - 162).

5 - تهاجمات قبایل صحراگرد سلجوقی به ایران تغییرات اجتماعی گسترده‌تری درون سرزمینی جماعات مختلف را افزایش داد و در نتیجه ضرورت‌های اجتماعی که پیامد آن روند محسوب می‌شد، ظهور و رشد محله‌های جدید در شهرهایی که در موقعیت مزبور قرار گرفته بودند، شتاب گرفت. حکمرانان ترک که به نمایندگی از سوی حکومت مرکزی به حکمرانی شهر یا منطقه‌ای گمارده می‌شدند، شماری سپاهیان قبیله‌ای به همراه داشتند که به ناچار باید

در شهرها یا مجاورت آنها استقرار می‌یافتند. این امر برای مردمان ساکن در شهرها مشکلات فراوانی پدید می‌آورد. از این‌رو راه کار احداث محله‌های جدید به عنوان راه‌حلی فوری برای برطرف کردن چنین مشکلاتی در دستور کار حکمرانان قرار می‌گرفت. برای مثال ملک تورانشاه، حکمران سلجوقی کرمان، که در ابتدا سپاهیان در منازل مسکونی مردم شهر اسکان یافته بودند و این امر مشکلات بسیاری را برای شهریان به وجود می‌آورد، مکان‌هایی برای استقرار سپاهیان در فضایی خارج از شهر اختصاص داد. وی در ربض شهر کرمان برنامه‌های عمرانی گسترده‌ای جهت احداث تأسیسات شهری و اقامتی ضروری برای اسکان سپاهیان اجرا درآورد و به این ترتیب محل استقرار آنان را از محل زندگی مردم شهر تفکیک کرد. بنا به روایت کلی که در این رابطه وجود دارد چنین اقدامی به این واقعه مربوط می‌شد که شخصی از فرود آمدن سپاهی در منزلش شکایت نزد ملک توران شاه برد و مشکلات خود و خانواده‌اش را در این خصوص بازگو کرد و توضیحات وی ملک تورانشاه را از عمق رنج مردم آگاهی داد. از این‌رو وی دستور داد تا استادان بنا را حاضر کرده و «... در ربض، بیرون شهر، بنای سرای خویش فرمود و در جنب‌سرای، مسجد جامع و مدرسه و خانقاه و بیمارستان و گراموه و اوقاف شگرف بر آنها نهاده و فرمود تا امراء دولت و صدور حضرت و معارف ولایت همه در ربض منازل ساختند...» و آن محله به نام «محله سه‌شنبه» معروف شد. این محله تا مدت‌ها از محلات مهم و معتبر شهر کرمان بود (افضل‌الدین کرمانی 1373: 368 به بعد). خلفای عباسی، از جمله معتصم بالله عباسی، نیز در چنین فرایندی سپاهیان ترک خود را در محله‌های تازه احداثی که برای این منظور بنا می‌کردند، استقرار می‌دادند (عریان 1374: 289؛ مناظر احسن 1369: 208؛ اشاره‌ای به محله خاص برای اسکان غلامان ترک در شهر غزنین: محمدبن منصور مبارکشاه فخرمدبر 1346: 106، و تجربه مشابهی در مورد شهر یزد در دوره علاءالدوله کاکویی؛ کاتب‌یزدی 1317: 66 - 67).

اهمیت اجرای این برنامه عمران شهری در شهرهای سده‌های میانه سبب گردید برخی دستورالعمل‌ها در این خصوص تدوین گردد تا حکمرانان مسلمان را در باب وجوب پرداختن به شیوه اسکان قبایل در محله‌های مختلف و جدا از یکدیگر، راهنما باشد (عبدالستار عثمان 1376: 115 - 116). اقدامات مشابه سلاطین سلجوقی بزرگ در شهر بغداد نیز در راستای چنین وضعیتی صورت می‌گرفت. اگرچه بدون تردید اقدامات سلجوقیان در این خصوص گستره وسیع‌تری داشت. از جمله، هنگامی که طغرل به بغداد وارد شد اقامت سپاهیان در

شهر مردم را به رنج مبتلا کرد. لذا وی برای رعایت حال مردمان محله‌ای جداگانه ترتیب داد که محل اسکان سلطان و دیوانیان و غیره بود (بنداری اصفهانی 1356: 60؛ ظهیری نیشابوری: 1332: 19؛ امین 1385: 282 - 283؛ کوی مسلح‌گاه شهری نیز مخصوص استقرار سپاهیان سلطان سلجوقی بود، کریمان 1345 جلد اول: 254 - 255).

در دوره مغولان که وضعیت مشابه با دوره سلجوقیان به وجود آمده بود، ایلخانان مغول و حکمرانانشان، برنامه‌های عمرانی مشابهی را به اجرا درآوردند که در نتیجه آن توسعه کالبدی شهرها شتاب گرفت. حمدالله مستوفی در مورد شهر تبریز اشاره دارد: «چون آنجا دارالملک شد، خلائق کثیر شدند و لذا در بیرون شهر عمارت کردند تا جایی که به هر دروازه از شهر، از اصل شهر زیادت آبادانی حاصل شد» (حمدالله مستوفی قزوینی 1378: 122 - 123؛ اشپولر 1368: 446). اقدام غازان‌خان در احداث شهرکی که به «شام» معروف شد و نیز پایه‌گذاری «ربع رشیدی» توسط وزیر او سبب شد جمعیت به آن سو سرازیر شده و ازدیاد نفوس در آن محله‌ها باعث شد که بعدها غازان با احداث بارویی بسیار بزرگ کوی‌هایی را که در بیرون شهر بود درون بارو جای دهد (حمدالله مستوفی قزوینی 1378: 123). در این دوره در مورد شهر تبریز نیز انجام چنین اقداماتی ضرورت یافته بود (ذکاء جلد سوم: 167 - 168؛ نیز همو 1376 جلد اول: 146). گاه محله‌ها در خارج از شهر احداث می‌گردید و سپس به شهر اصلی منضم می‌گردید (ضیاءتوانا 1370: 181).

6 - در جریان تأسیس و به‌وجود آمدن محله‌ها و شهرک‌های جدید و گسترش کالبدی شهرهای ایران در سده‌های میانه، افزون بر علل سیاسی و حکومتی مورد بحث، عوامل دیگری نیز در این روند دخالت داشته و نقش ایفا می‌کردند: گاه یک کوی یا محله خاص به منظور اقامت شخص خلیفه با اعوان و انصارش بنیان‌گذاری می‌شد. مانند محله‌ای که برای مهدی عباسی در بغداد احداث شد (یاقوت‌حموی 1347: 116) یا بنیادگذاری محله‌های دیگری چون رصافه، که بعداً با محله کرخ ادغام شد. این‌گونه تجربه عمران شهری در شهرهای قاهره، فسطاط، عسکر و قطائع و نظایر این‌ها نیز قابل بررسی است (عبدالستار عثمان 1376: 125 - 126).

گاه بنا به ضرورت‌های ناشی از رشد مناسبات اقتصادی و اجتماعی شهرها (مانند افزایش شمار جمعیت پیشه‌وران و سایر گروه‌های شهری نظیر) محله جدیدی با کارکردهای مشخص، برای یک گروه از مردم شهر احداث می‌گردید تا در عرصه و فضای زندگی آن‌ها

که در شهر تنگ شده بود، گشایشی صورت گیرد. بنیان‌گذاری محله کرخ به منظور انتقال محل‌های کسب و کار تجار و دکان‌های پیشه‌وران شهر بغداد که دچار مضیقه فضایی شده بودند، صورت گرفت که در نتیجه آن تردد و آسایش خریداران و مردم مراجعه‌کننده به آنان نیز متحقق می‌گردید. آرتور پوپ روند رشد شهرها در جهت محورهای خیابان‌های اصلی شهر را که هجوم جمعیت به سوی استحکامات شهری و احداث فضاهای مسکونی در اطراف آنها شده و به پیدایش محله‌ها می‌انجامید، مورد بررسی قرار داده است (پوپ: 174). احداث محله کرخ در بغداد با هدف انتقال بازارها و دکان‌های پیشه‌وران از درون شهر بغداد به آن‌جا صورت گرفت (جاویدان 1378: 122 - 131؛ شیخلی 1362: 60 - 61).

باعنایت به شیوه‌های افزایش فضای کالبدی شهری براساس الگوی تأسیس محله/ محله‌ها در شهرها، لازم است در خصوص تداوم حیات و رونق اجتماعی - اقتصادی محله‌های مزبور در ادوار پس از به‌وجود آمدن آنان، چند موضوع مدنظر قرار گیرد: 1 - در شهرهای سده‌های میانه، روند رشد و توسعه کالبد شهر به صورت تأسیس و برپا شدن محله‌ها و شهرک‌هایی در حومه شهر اصلی به صورت امری معمول درآمده بود. 2 - امور عمرانی این‌گونه محله‌ها تابع الگوی عمرانی شهر اصلی بوده، از این‌رو تحت‌تأثیر اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شهر قرار داشتند. 3 - نکته مهم دیگر درباره بنیادگذاری و احداث محله در شهرها و نیز توسعه بعدی کالبد آن به اقامت افراد سرشناس و معتبر در آن‌جا باز می‌گشت؛ زیرا در صورتی که در محله تازه‌تأسیس رجال صاحب نام و دارای قدرت و نفوذ اجتماعی - سیاسی و اقتصادی اسکان می‌گزیدند، بر اعتبار آن محله در شهر افزوده می‌شد. بر این اساس بسیاری از مورخان در توضیحی که از محلات شهر مورد نظرشان ارائه می‌دهند، به ذکر نام و شرح احوال ساکنان معروف آن می‌پردازند (سلطان‌زاده 1367: 239). برای مثال، تنوخی در حکایتی اشاره دارد: صراف پیری پس از سال‌ها به بغداد و خانه خود بازگشت و مشاهده کرد آن‌جا تغییر بسیاری یافته و بسیار نیکو شده «... دکان‌ها به رسم سرای بزرگان کشیده و دربانان نشسته و...». وی ابتدا به ذهنش چنین خطور می‌کند که همسرش مرده و «... کسی از اصحاب سلطان سرای را ملکیت فرو گرفته...» و این آبادانی که در محله او صورت گرفته است، در اثر آن‌چنان تغییراتی رخ داده است. اما بعد متوجه اصل ماجرا می‌شود (تنوخی 1362 جلد دوم: 857 - 858). حاکم نیشابوری نیز در توصیف محله نصرآباد گوید «... اعلاء شهر بود، بزرگ و عریض محل علما و تجار بود... چهل بازرگان در آن محله بود...» «دارای جاه و



مال و حشمت...» (حاکم نیشابوری 1375: 201). 4 - در عین حال تأثیرات تحولات سیاسی، درگیری‌های فرقه‌ای و دیگر حوادث مشابه، سرنوشت محله‌ها را دست‌خوش تغییر می‌کرد و به مرور از اعتبار و اهمیت آن‌ها می‌کاست. تقسیم محله‌های یک شهر به جماعت شیعه و سنی و سایر اقلیت‌های دینی، نشانه اهمیت و تأثیرگذاری ملاک‌های دینی در جایگزینی پیروان گرایش‌های مختلف مذهبی در شهرها بود. در اثر چنین وضعیتی لازم می‌آمد مؤسسات ضروری زندگی شهری در درون محله برپا شود تا از این طریق روند جدایی‌گزینی اجتماعی - فرهنگی محله‌ها از یکدیگر نهادینه گردد. شهرری نمونه‌ای از چنین شهرهایی در ایران بود (کریمان 1345 جلد اول: 190 - 212). در این شرایط ستیزه‌های محله‌ها با یکدیگر تحت تأثیر مسایل و نزاع‌های مذهبی به شکل نهادینه‌ای در می‌آمد. شهر نیشابور هنگامی که مورد هجوم غزها واقع شد، بیشترین تخریب‌های شهر ناشی از توأم شدن نزاع‌های مردمان محله‌ها با یکدیگر و تهاجمات صحراگردان بود (حسینی یزدی 1908: 109). شکل نهادینه شده ستیزه‌های محله‌ای در شهرهای ایران در ادوار بعد در شکل منازعات نعمتی و حیدری تجلی کرد (میرجعفری 1361: 117 - 155؛ سلطان‌زاده 1370 جلد سوم: 351 - 367).

به این ترتیب، در شهرهای قرون میانه بنابه دلایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی احداث محله‌های جدید و مستقل ضرورت پیدا می‌کرد، در جریان گسترش بعدی کالبد محله‌های مزبور به تدریج در ساختار کالبدی شهر ادغام می‌شدند و در نهایت شکل و فضای شهرها گسترش می‌یافت. این روال یکی از الگوهای توسعه کالبدی و رشد فضای اجتماعی شهری در سده‌های میانه بود.

ب - اما الگوی دیگری که در جریان رشد کالبدی و شکلی شهرها در سده‌های میانه قابل مطالعه است، به این صورت بود که متعاقب تأسیس برخی مؤسسات مهم در یک منطقه از شهر فعالیت‌های روزمره شهرنشینان در آن محدوده شتاب گرفته، زندگی رونق می‌یافت. برای مثال بنیان‌گذاری مساجد، به ویژه مسجد جامع، در این زمره بود. احداث مسجد در یک شهر به هنگام شتاب‌گیری روند توسعه شهر یا برای بالا بردن اعتبار یک محله یا منطقه در حال رشد ضروری بود. مثلاً در شهر نیشابور سه مسجد توسط عبدالله بن عامر احداث گردید (بولت 1361: 517) یا در شهر واسط دو مسجد جامع در زمان‌های مختلف احداث گردید (ابن‌رسته 1380: 218). در یزد نیز علاءالدوله کالیجار پس از توسعه کالبدی شهر مساجد

متعددی را بنیان‌گذاری کرد (کاتب یزدی 1317: 65)، عمرو لیث صفاری نیز برای شادیاخ (در حومه نیشابور) مسجد جامع نیکویی بنا کرد.

سبب اعتبار یافتن یک منطقه یا محله جدید و تازه‌ساز شده و رغبت گروه‌های مختلف شهری را به اقامت در پیرامون آن بنای مهم برمی‌انگیخت. در عین حال، انجام فعالیت‌های عمرانی نشانگر آن بود که فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی و مناسبات شهرنشینی در منطقه مورد نظر شتاب گرفته است.

تأسیس بناهای تجاری که به عنوان فضاهای مکمل کالبد اصلی بازار شهر محسوب می‌شد و اغلب به سوی دروازه‌های شهر جهت‌گیری می‌نمود، گسترش محلات مسکونی و پیشه‌وری مختلف در شهر را به دنبال داشت. در برخی موارد حکام به ساخت بازار در شهرها اقدام می‌کردند. به احداث محله کرخ توسط منصور عباسی اشاره کردیم. سلطان محمود غزنوی بازاری در برابر مسجد جامع شهر نیشابور احداث کرد (حاکم نیشابوری 1367: 198). در سایر شهرها چون یزد (کاتب یزدی 1317: 94 - 96) و قزوین (همان: 264) نیز چنین تجربیاتی صورت گرفته بود. حکمرانان با آن که در ایجاد دیگر مؤسسات شهری که کارکردهای این چینی داشتند (مانند کاروانسراها) با انگیزه‌های متفاوتی عمل می‌کردند (کیانی 1374: 13؛ گرابر 1375: 98) اما نتایج امر مشابهت‌های بسیاری را در روند رشد کالبدی شهر برجای می‌گذارد.

هنگامی که در اثر ضعف حکومت مرکزی امنیت متزلزل می‌گردید، یا در اثر شیوع جنگ‌های داخلی تهاجمات به شهرها گسترش پیدا می‌کرد، ضرورت برافراشتن حصارها بر گرد شهر به میان می‌آمد. در این شرایط بود که بسیاری از محله‌ها یا بناهای برپا شده و گاه حتی روستاهایی که خارج از حصار کهنه شهر قرار داشتند، در درون حصار جدید سامان‌دهی شده، در واقع به فضای اصلی شهر ملحق می‌شدند؛ و به این ترتیب عرصه فضای داخلی و وسعت کالبد شهر افزایش می‌یافت و شکل شهر تحت‌تأثیر این روال تغییر پیدا می‌کرد. شهر یزد (کاتب یزدی 1317: 75) و شهر کرمان چنین تجربیاتی داشتند. در قرن 9 هـ که حصار برگرد شهر کرمان کشیده شد و «بعض محلات خارج شهر قدیم را جزو شهر کردند» (باستانی پاریزی 1366 جلد دوم: 199). همچنین چون پاروی شهر تبریز در عهد غازان «بسیاری از کوی‌ها و بازارها و خانه‌ها را که در بیرون از آن پدید آمده بودند، نمی‌پوشاند» بارویی جدید کشیده شد که تمام باغات و خانه‌های مردم داخل محوطه افتاد (وهاب‌زاده 1374 جلد سوم: 79).

احداث بارو برگرد شهرها به مانند مهم‌ترین عامل در جذب مردمان نگران از حفظ جان و مال خود به شهرها نقش ایفا می‌کرد. در جریان اقامت‌گزینی شمار بیشتری از مردمان در درون حصار امن شهر فعالیت‌های اقتصادی شهر گسترش یافته و رونق پیدا می‌کرد. شرح ابن‌فقیه در مورد شهر تبریز (ابن‌فقیه 1349: 127) و گزارش حمدالله مستوفی در مورد شهر اصفهان مؤید این نظر است (مستوفی قزوینی 1378: 89).

از این‌رو در نظر برنامه‌ریزان عمران شهری الگوی توسعه کالبدی - اجتماعی شهری براساس کشیدن بارو و حصار برگرد شهرها به دلیل نتایج متفاوت و مهمی که در پی داشت، بسیار مورد توجه بود (ذکاء 1376: 146؛ شکوهی 1378: 144؛ بیرشک 1374: 383 - 340؛ معیری 1371: 34؛ عبدالستار عثمان 1376: 119 - 120؛ Northedge 1997: 881-883).

احداث فضاهای آموزشی نظیر مدرسه، که به مانند یک «مجموعه کالبدی» در نظر می‌آمد (الگوی نمونه‌وار یک مدرسه مرکب از اجزاء گوناگون فضاهای آموزشی و خدماتی و علمی و سایر فضاهای تکمیلی) نیز تأثیرات بسیاری در طراحی فضاها و الگوی عمران شهری داشت. افزون بر آن پایه‌گذاری یک مدرسه در منطقه‌ای از شهر رونق‌یابی و رشد فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی را آن بخش از شهر باعث می‌گردید. احداث مدرسه غالباً در محلات پرجمعیت پیشه‌وری، یا بازار صورت می‌گرفت؛ و این امر به دلیل ارتباط این مؤسسه با اقتصاد شهری بود. برای مثال؛ اتابک عزالدین لنگر، مدرسه‌ای عالی در میان بازار شهر یزد احداث کرد (کاتب‌یزدی 1317: 74) در شیراز نیز آبش خاتون در کوی طناب بافان مدرسه‌ای برپا کرد (خواندمیر 1372: 135 و غیره).

همچنین است پایه‌گذاری دیگر مؤسسات فرهنگی - اقتصادی و رفاهی مانند کاروانسرا، کتابخانه، حمام، میدان، آب‌انبار، خانقاه، رباط و نظایر این‌ها، که هریک به سهم خود در جهت‌یابی و تعیین مسیر رشد فضاهای کالبدی شهرها نقش ایفا می‌کرد، تمرکز و گسترش فعالیت شهرنشینان در پیرامون فضاهای مزبور در شهر را نیز به دنبال داشت.

البته لازم است اشاره شود که سرمایه‌گذاری اشخاص متنفذ و متمول یا هزینه‌هایی که حکمرانان در اموری چون برپایی مؤسسات شهری به‌طور یکسان همه مناطق یک شهر را در بر نمی‌گرفت؛ بلکه معمولاً چنین بود که در یک دوره تاریخی یک منطقه شهر که شرایط مناسبی برای برپاسازی مؤسسات شهری برخوردار بود، مورد توجه قرار می‌گرفت و البته به

همین روال در ادوار بعد و در پی بروز تحولات سیاسی - اجتماعی از رونق و شکوفایی آن محله کاسته می‌گردید.

پ - روال دیگر بروز تغییر در بافت، کالبد و شکل شهرهای ایران در قرون میانه در آن شمار از شهرهایی ملاحظه می‌گردید که به عنوان پایتخت و مرکز یک حکومت انتخاب می‌شدند؛ زیرا در این شرایط به دلیل آن که مدیریت امور اداری و سیاسی یک قلمرو پهناور در شهر تمرکز می‌یافت، لازم می‌آمد مؤسسات و فضاهای متلازم با نقش جدیدی که شهر پذیرفته بود، برپا گردد تا نیازهای گوناگون مرکزیت سیاسی - اداری جدید را برآورده سازند. این امر رونق و ارتقاء موقعیت اجتماعی - اقتصادی شهر را به دنبال داشت: از یک سو سیل مازاد تولید بخش‌های مختلف کشور یا منطقه به آن شهر سرازیر می‌شد و از سوی دیگر افزایش مداوم جمعیت و نیازهای گوناگون بخش‌های مختلف اقتصادی و اداری، فعالیت‌های عمرانی مستمری را در شهر ضروری می‌ساخت. ایجاد بناهایی با کارکردهای اداری و سیاسی یا قابلیت‌های دفاعی و امنیتی شهر، ساخت بناهای یادبود و نظایر این‌ها، از جمله اشکال توسعه کالبدی و فضایی چنین شهرهایی به‌شمار می‌رفت. جریان دایمی ورود مهاجران خرد و کلان از نواحی دور و نزدیک به شهر پایتختی، رشد جمعیت شهر را شتاب می‌بخشید و این امر نیز در سرعت‌گیری ساخت و سازها و در نهایت متحول نمودن شکل و کالبد فضای شهری مؤثر بود. بر این اساس می‌توان مراحل رشد ناگهانی برخی شهرها در دوره رونق و شکوفایی سیاسی - اداری و اقتصادی آنان تحلیل و ارزیابی کرد (بررسی وضعیت شهرهای پایتختی ایران در: کیانی 1374؛ گرابر 1380: 15 - 79).

به عنوان مثال شهرهایی چون یزد به هنگامی که مرکزیت اتابکان یزد را پیدا کرد (کاتب‌یزدی 1317: 65 به بعد) و شهر هرات در دوره تیموریان (حافظ ابرو 1349: 9 به بعد) و شهر اصفهان در عهدشاه عباس (حبیبی 1378: 93 - 102) چنین تجربیاتی را از سر گذرانیدند.

الگوی شهر پایتختی را می‌توان تجلی و ظهور «آرمان شهر» حکومت‌های مقتدر و متمرکز به‌شمار آورد که به ویژه در مورد حکومت‌های پیش از اسلام و در نزد برخی از شهرهای پایتختی حکومت‌های دوره اسلامی، مانند سامانیان (بخارا)، آل بویه (شیراز)، سلجوقیان (ری - اصفهان)، مغول (سلطانیه - تبریز)، تیموریان (هرات)، صفویه (قزوین - اصفهان) نمود پیدا کرده بود. امرا و حکام نواحی مختلف نیز در اجرای برنامه‌های عمران

شهری خود تلاش داشتند از طرح مزبور پیروی نمایند. بازتاب این گرایش‌ها در شهرسازی را می‌توان در مورد شهرهای یزد، شیراز، کرمان و موارد دیگر مطالعه کرد.

ت - بروز یکی از وضعیت‌های رشد و گسترش یا انحطاط و پس رفت مناسبات اقتصاد شهری از علل عمده ایجاد تحول و تغییر در کالبد و شکل شهرها به‌شمار می‌رفت. پیشرفت فعالیت‌های اقتصاد شهری (مانند بخش تولید کالایی - بخش پیشه‌ووری - یا بخش مبادله و توزیع) نیازمند گسترش و ایجاد فضاهای مناسب با مقتضیات این‌گونه فعالیت‌ها بود. افزایش وسعت شهرها در دوره ساسانیان که سبب گردیده بود جریان مکان‌یابی و استقرار گروه‌های پیشه‌ور برگرد کهن دژ شتاب گیرد، فضاهای کالبدی پیرامون کهن دژ را گسترش داده بود. پیدایش منطقه شارستان در شهر دوره باستان در تداوم این وضعیت تحقق یافت. در نتیجه تحولی که در مناسبات اجتماعی - اقتصادی شهرها در قرون نخستین پس از اسلام به‌وجود آمد، مرکزیت زندگی و فعالیت شهری در منطقه ربض قرار گرفت و به تدریج اغلب مؤسسات اصلی شهری در ربض برپا گردید: بناهایی مانند مسجد، دارالاماره، بازار، حمام، کاروانسراها و غیره. روند برآمدن منطقه ربض و انتقال تأسیسات شهری به آن منطقه را مثلاً در مورد شهر نیشابور در سده‌های اول هجری می‌توان به خوبی ردیابی کرد (اعتضادی 1374: 24).

در جریان این فرایند، شماری از ساکنان مناطق کهن دژ و شارستان - که به تدریج عنوان شهر کهنه به خود می‌گرفت - استقرارگاه خود را در آن نواحی ترک گفته، به محله‌ای تازه تأسیس شده‌ای که در فضای دورتری از قلب شهر قرار داشت، نقل مکان می‌کردند (در مورد شهر کاش - در خوارزم - بارتولد 1366 جلد اول: 329 - 333).

این روند تحت‌تأثیر عوامل و رخداد‌های مختلف نیز قرار داشت. برای مثال، جریان جابه‌جایی درونی مردمان شهر را شتاب می‌بخشید (در مورد شهر بخارا، بارتولد 1366 جلد اول: 255 - 256؛ غفوراف جلد اول: 562).

رشد اجتماعی - اقتصادی منطقه ربض و گسترش کالبد آن به عنوان منطقه مهم شهری ایجاد می‌کرد برای برقراری امنیت در آن بخش دیواری بر گرداگرد آن کشیده شود و به این ترتیب کالبد ربض به مانند لایه جدیدی بر ساختار کالبدی شهر افزوده می‌شد و شکل آن را تحت‌تأثیر قرار می‌داد. برای مثال، هنگامی که در شهر بخارا چنین وضعیتی رخ داد اهل ربض از امیر بخارا (احمدبن خالد) درخواست کردند سور و دیواری برگرد ربض بکشد تا امنیت مالی و جانی آن مردمان تأمین گردد (نرشخی 1363: 48).

بررسی تغییرات اجتماعی - اقتصادی و پیامدهای این چینی در شهرهای ایران، (یوسفی فر 1384: 217 - 261). اهمیت منطقه ریز در شکل‌دهی به مناسبات شهری از شهرهای سده‌های قرون میانه تا اندازه‌ای بود جغرافیانگاران در گزارش خود از آن شهرها تنها درباره ریز یک شهر مطالبی را مورد اشاره قرار داده‌اند. گزارش‌های موجود در مورد شهرکش در ماورالنهر، در دوره سامانیان، چنین است. کهن دژ و شارستان شهر به صورت ویرانه درآمد بود و فقط منطقه ریز حالت مسکون داشت و تنها زندان و مسجد جامع در شهرستان باقی مانده بود؛ اما بازارها و محلات شهر در منطقه ریز قرار داشتند (بارتولد 1366 جلد اول: 310).

فرایند انتقال مرکزیت مناسبات اجتماعی - اقتصادی زندگی شهری از کهن دژ و شارستان دوره باستان به منطقه ریز در شهرهای دوره اسلامی، تحت‌تأثیر چند عامل قرار داشت: رشد سریع مناسبات تجاری و تولید کالایی در شهرهای سده‌های میانه سبب گردید گروه‌های پیشه‌ور و سایر فعالان اقتصادی که در منطقه شارستان دوره ساسانی استقرار پیدا کرده بودند، به ناگزیر در فضاهای جدیدی که در امتداد راه‌های اصلی شهر گسترش می‌یافت، استقرار پیدا کنند؛ و بر این اساس فضاهای کالبدی مهمی چون بازار و مناطق سکونت گاهی بازارگانان و کسبه و پیشه‌وران در منطقه ریز که خارج از فضای کالبدی شهری دوره ساسانی قرار داشت، برپا می‌گردید (اشرف 1353: 21؛ بررسی جریان رشد بازارها و شیوه‌های پیدایش فضاهای شهری، بافت بازار و محلات پیرامون آن و نحوه استقرار پیشه‌وران در کالبد بازار و مجاور آن: میشل 1380: 97 - 111؛ سلطان‌زاده 1380: 801 - 786 Bianquis). پژوهش ریچارد فرای درباره شهر بخارا مؤید بروز چنین تحولی در شهر بخارای دوره سامانیان است: «گسترش زیاد حرف و صنایع و داد و ستد و بازارها، خاصه در قرن دهم (قرن 3 و 4 هـ.) در حکم انتقال جمعیت به حومه شهرها یا ریز بود. امنیتی که در دوره سامانیان احساس می‌شد و از بین رفتن خطر حمله اقوام کافر بیابان گرد، موجب رشد و رونق مداوم اطراف شهرها در خراسان و ماورالنهر گردید» (فرای 1348: 219 - 220)، تحولات مشابه در شهرهای نیشابور، ری، بردسیر، زرنج و سایر شهرهای آن دوران نیز در جریان بود (اشرف 1353: 22؛ سلطان‌زاده 1367: 96).

البته در جریان الحاق منطقه ریز به جامعه شهر کهن مواعی نیز وجود داشتند که از جمله می‌توان به برخی محدودیت‌های مذهبی اشاره کرد. در واقع به دلیل آن که احداث مسجد جامع



در شهرهای دوره اسلامی باعث گردیده بود رسوم و شعایر مهم مسلمانان در آن مکان اجرا گردد، هرگونه فاصله گرفتن از منطقه مقرر برای اماکن مذهبی مانند مسجد جامع اشکالاتی را در شیوه اداء فرایض یا ضرورت‌های دسترسی به آن مؤسسات پیش می‌آورد. در اثر اجتناب‌ناپذیر بودن انتقال زندگی اقتصادی و اجتماعی به منطقه ربض، که به تدریج موقعیت شهری پیدا می‌کرد، مؤسسات اصلی شهری در آن منطقه استقرار می‌یافت. مسأله ضرورت اجازه تأسیس مسجد جامع در منطقه ربض از سوی برخی فقها (عبدالستار عثمان 1376: 336) و گاه احداث دو مسجد جامع در شهرهای بزرگ (مثلاً مرو) ساخته می‌شد. (مقدسی جلد دو: 454) گسترش منطقه ربض را با تأیید رسمی مراجع توأم ساخت. پیدایش و استقرار عناصر مرتبط با فعالیت‌های تجاری و پیشه‌وری در مسیر راه‌ها و خیابان‌های اصلی شهر درحال گسترش صورت می‌گرفت (خیرآبادی 1376: 65 - 67)؛ و در این راستا سیمای شهر را متحول می‌ساخت (عبدالستار عثمان 1376: 142 - 143). منطقه ربض در شهرهای قرون پنجم و ششم هجری چنان اهمیتی پیدا کرد که مؤلفی چون یاقوت حموی از «ربض» به عنوان «اساس شهر» (یاقوت حموی 1347: 91 - 94) و برخی مؤلفان دیگر آن را «شهر بیرونی» می‌نامیدند. ربض نیشابور شهر بیرونی نامیده می‌شد، چرا که در آن بازارهای شهر، مسجد جامع اصلی، دارالاماره، و برخی مؤسسات دیگر وجود داشت و در برگیرنده یک سلسله از محیط شهری بود (بولت 1361: 518)؛ شهر بخارا نیز چنین بود (غفوراف 1337 جلد اول: 562).

گفتنی است چون گسترش ربض در منطقه‌ای صورت می‌گرفت که «حومه شهر» محسوب می‌شد، پیش‌روی فضای کالبدی آن در محدوده باغ‌ها، کشتزارها و مناطق مسکونی و کشاورزی متحقق می‌شد و در نتیجه شکل گسترش فضا و بافت منطقه ربض، به جز در محور خیابان‌های اصلی، از الگوی تأسیسات آبرسانی، تقسیم‌بندی مزارع و راه‌های خاص کشاورزی و موارد دیگر پیروی می‌کرد. پیروی بافت، کالبد و فضای شهری منطقه ربض از الگوی کوچه باغ‌ها، مرزبندی‌های مزارع، کشتزارها و نیز پیروی از مسیر جریان آب در جوی‌ها از آن جمله است (فیروزآبادی 1374 جلد اول: 375 - 383). وجود کوچه‌ها و راه‌های ارتباطی پریچ و خم در شهرهای کهن حکایت از آن دارد که جریان گسترش کالبد ربض از این امر ناشی می‌شد.

در نتیجه، به دلیل آن که رشد و گسترش مناسبات تجاری و تولید پیشه‌وری در شهرهای قرون میانه، متلازم و همساز با فرایند تولید فضاهای شهری متناسب با فعالیت‌های اقتصادی

- اجتماعی مزبور بود، می‌توان چنین بیان داشت میزان تفوق و تسلط مناسبات تجاری و تولیدی در شهرهای مختلف قرون میانه با شکل گسترش، کیفیت، نوع فضاها و معماری ویژه‌ای که در شهرها ایجاد می‌گردید، قابل مطالعه و بررسی است (یوسفی‌فر 1384) مقایسه این بحث با روند ظهور شهرها در اروپای قرون وسطی و زاد و رشد سرمایه‌داری در آن شهرها که توأم با تولید فضاها و معماری ویژه بورژوازی بود (داب 1379: 11 - 132).

ث - در بررسی موضوعی چون فرایند شکل‌گیری و تحولات فضا و کالبد شهر و نیز تحلیل مناسبات شهرنشینی در ایران باید برای موضوع نهاد وقف جایگاه خاصی در نظر گرفت (اهلرز 1373: 45 - 51).

نهاد وقف و مؤسسات وقفی از جنبه‌های مختلف در تعیین شکل شهرهای اسلامی تأثیرگذار بودند، که اهم آن موارد عبارتند از: اول، «جنبه تکوینی و مکانی»؛ دوم، «جنبه اجتماعی - اقتصادی»؛ سوم، «جنبه سیاسی» (اهلرز 1373: 45). منظور از جنبه اول، خصلت شهرآفرینی موقوفات، یعنی توسعه مناسبات شهر براساس درآمدهایی که از موقوفات برای مصارف ویژه گسترش کالبد شهر اختصاص می‌یافت؛ جنبه دوم تأثیرگذاری کالبدی در ساختمان‌سازی مناطق مسکونی و بخش‌های بازرگانی و تأسیسات مذهبی در شهرهای شرق اسلامی است.

بسیاری از واقفان مؤسسات وقفی، با هدف برقراری حمایت اجتماعی از لایه‌های پایین جامعه، ایجاد فضاهای شهری لازم برای فراهم آوردن امکان کسب و کار پیشه‌وران فرودست و نیز سامان‌بخشی و پاسخ‌گویی به برخی نیازمندی‌های زندگی روزمره مردم، اقدامات خود را انجام می‌دادند. از این‌رو، کارکردهای نهاد وقف در شکل مناسبات شهری به صورت مختلف ظاهر می‌گردید: در اختیار گذاردن مساکن ارزان قیمت برای شماری از مستمندان یا مهاجران به شهرها، سامان‌بایی اجتماعی گروه‌های فرودست را باعث می‌گردید و تأمین مکان‌های مناسب کار و فعالیت اقتصادی برای گروه‌های پیشه‌وری فقیر، رونق فعالیت‌های پیشه‌وری در شهر را باعث می‌شد و در نهایت میزان رشد اشتغال در جامعه شهری افزایش می‌یافت.

اختصاص موقوفات روستایی برای مصارف گوناگون در شهرها سبب می‌گردید بخشی از مازاد تولید کشاورزی روستایی به سوی شهرها سرازیر گردیده، به همراه درآمدهای موقوفات شهری صرف سرمایه‌گذاری و گسترش تأسیسات عمومی و عام‌المنفعه در شهرها گردیده، به همین ترتیب هزینه‌های برگزاری بسیاری از شعائر دینی، آداب و رسوم اجتماعی تأمین

می‌شد. به این ترتیب، در نتیجه تحقق کارکردهای نهاد وقف که در حوزه‌های مختلف امور شهری سده‌های میانه ملاحظه می‌شد، نتایج گوناگونی را در پی داشت که به عنوان مثال می‌توان به دو مورد ویژه از چنین پیامدهایی اشاره کرد:

1 - افزایش موقوفات که برای برپاسازی بناها و فضاهای خاص در شهرها اختصاص می‌یافت، باعث می‌گردید آن بخش از بافت‌های شهری که در جمله طرح‌های مزبور قرار می‌گرفت، رشد فضایی و کالبدی متفاوت از سایر بخش‌های کالبدی شهر را تجربه نماید.

2 - و بر همین اساس اختصاص درآمد موقوفات برای نگاه‌داری و حفاظت فضاهای کالبدی شهری، باعث می‌گردید این‌گونه بناها در ادوار مختلف به صورت محافظه‌کارانه‌ای کارکردهای خود را حفظ کرده و به شدت از نوسازی و بازسازی بافت شهری ممانعت به عمل آورد. از این رو است که می‌باید نقش نهاد وقف در شکل‌دهی به فضاهای شهری و تسریع یا ممانعت از بروز تغییرات در شکل شهرها را مدنظر قرار داد.

3 - در روند شکل‌یابی و رشد فضاهای شهری همچنین باید نقش و کارکرد فضاهای آرامگاهی و آیینی و مشاهد مختلف، چون مزارهای اولیا و رهبران سرشناس دینی را مورد توجه قرار داد. وجود مجموعه زیارت‌گاهی در یک شهر موجب جذب و اقامت معتقدان، تردد سیاحان و مسافران می‌گردید که در نتیجه آن جمعیت شهر افزون شده، کسب و کار رونق می‌یافت. برخی از ارادتمندان و معتقدان شخصیت‌های مزبور بر آن می‌شدند به منظور افزایش رونق و شکوه و اعتبار آن‌گونه فضاهای معنوی، تأسیسات شهری - فرهنگی عام‌المنفعه‌ای را در پیرامون آن مجموعه‌ها احداث نمایند. جریان احداث مقابر بزرگان طریقت و رهبران دینی به سرعت به یک «مجموعه شهری» تبدیل می‌شد؛ چرا که برای تأمین نیازهای مسافران و زیارت‌کنندگان و نیز کسانی که در مجاورت این قبور و مشاهد اقامت می‌گزیدند، تأسیساتی موردنیاز بود که هزینه‌های ساخت و نگهداری و ارائه خدمات آن نیز از طریق موقوفات مشاهد تأمین می‌شد (سلطان‌زاده 1377: 44 - 45).

در نتیجه این فرایند، مجموعه کالبدی جدیدی در یک نقطه از شهر ظاهر می‌گردید که به سهم خود در تغییر کالبد شهری و کارکردهای آن منطقه از شهر نقش ایفا می‌کرد. شهر مشهد (خیرآبادی 1367: 94، 96 - 97، 99) تربت‌جام (غزنوی 1340: 11)، قم و نظایر این‌ها نمونه بارزی از ظهور چنین تغییراتی در شکل شهرهای ایران به‌شمار می‌روند.

همچنین است تأثیری که بنیادگذاری یک خانقاه که توأم با اقامت و فعالیت صوفیان در آن بود، تأثیری مشابه در روند گسترش و تغییرات شکلی شهرها در پی داشت. در این زمینه ذکر تجربه‌ای در مورد شهر بغداد بسیار گویاست. پس از مرگ ابوسعید ابوالخیر شماری از شاگردان برجسته وی مأمور شدند دعوت وی را در مناطق مختلف گسترش دهند. ابوسعید دادا، یکی از شاگردان وی، به شهر بغداد رفته و به نقل از خود وی «... چون به بغداد رسیدم و آن وقت آبادانی بدان سوی آب بود، من در مسجدی نزول کردم...». وی برای انجام مأموریت خود تصمیم گرفت که «... می‌باید که این‌جا بقعه سازم از جهت صوفیان و ایشان را خدمت کنم.» وی از خلیفه دستور خواست و اجابت شد و پس از مدتی که از ساخت خانقاه وی گذشت، تأسیساتی بنا گردید. سپس «... مردمان به یک‌بار روی به من نهادند و حاجات بر من رفع می‌کردند... و بیشتر از مردمان به جوار من رغبت کردند و در پهلوی خانقاه من سرای‌ها می‌ساختند، چنان‌که آن موضع انبوه گشت...». وی در ادامه می‌افزاید پس از مدتی شهر به یک‌باره به این سوی آب آمد و آن سوی خراب شد (میهنی: 1361: 361 - 368).

4 - تحول در شکل یک شهر در سده‌های میانه، گاه در نتیجه تغییرات کارکردهای شهری یا افزایش کارکردهای جدید بر کارکردهای قبلی شهر به‌وجود می‌آید. هر شهر به صورت معمول بنا به سطوح رشد یافتگی اجتماعی خود از یک موقعیت اجتماعی - اقتصادی برخوردار بود که کارکردهای آن شهر نیز در انطباق با این شرایط متحقق می‌گردید. اما گاه در اثر تحولات سیاسی یا تغییرات فرهنگی و اجتماعی شرایط جدیدی در شهر به‌وجود آمده، گسترش مناسبات شهری، شکوفایی بیشتر اقتصاد تجاری و کالایی را به دنبال داشت. به این ترتیب، کارکردهای تازه‌ای بر کارکردهای قبلی شهر افزوده می‌شد. برای مثال در هنگام تجزیه قدرت سیاسی و برآمدن حکومت‌های محلی، برخی از شهرها موقعیت تازه‌ای به عنوان مرکزیت سیاسی پیدا می‌کردند که در نتیجه آن شهر مزبور کارکردهای جدیدی پیدا می‌کرد. انتقال و کاربست فناوری جدید که در روند تولید برخی کالاها تحولاتی ایجاد می‌کرد نیز تغییرات گسترده اجتماعی و اقتصادی در شهر به دنبال داشت. در این وضعیت شهر در شرایط متفاوت‌تری نسبت به گذشته خود قرار گرفته و کارکردهای جدیدی را به خود می‌پذیرفت، امری که مستلزم گسترش فضاهای کالبدی جدید در شهر بود (دورنو 1374: 515؛ شکوهی 1374: 262).

5 - روال دیگر گسترش شکل شهر براساس الگوی رشد فضای شهری در پیرامون هسته‌ای مرکزی مانند یک قلعه یا دژ ظاهر می‌گردد. در واقع چون بسیاری از شهرهای باستانی ایران طبق این الگو متحول شده بودند، ریخت شهر اغلب به صورت مدور و برگرد نقطه‌ای کانونی (دژ یا قلعه) ملاحظه می‌شد و استخوان‌بندی اصلی و مسیر بعدی رشد فضای شهری در جهت مسیر راه‌هایی که از قلعه به بیرون امتداد می‌یافت، مشخص می‌شد. به گونه‌ای که بیشترین حجم فضاهای شهری (چون بناها، مساکن، اماکن کسب و کار و نیز تأسیسات عمومی) در امتداد خیابان‌های اصلی تا محل دروازه‌های شهر استقرار می‌یافت (پوپ: 174 - 175؛ بررسی روند تکوین شهر نیشابور براساس الگوی مورد بحث، در حاکم نیشابوری 1377: 197 - 199؛ نیز، ذکاء: 209؛ اعتماد 1363: 12 - 119).

البته در سده‌های میانه این الگوی گسترش شهر بیشتر در نقاطی به چشم می‌خورد که در آن شهرها از سطح رشد اجتماعی و اقتصادی کمتری برخوردار بوده، یا به دلیل آن که آن شهرها از موقعیت مرزی برخوردار بودند، کارکردهای نظامی آن‌ها بر سایر کارکردهای شهری آن شهرها غلبه داشت.

6 - گاه شکل گسترش و تحولات کالبدی شهرها تحت تأثیر مناسبات تجارت فرامنطقه‌ای قرار داشت: راه‌های تجاری و کاروان‌رو، که از طریق آن‌ها مبادلات و نقل و انتقالات کالاها و مال‌التجاره‌ها صورت می‌پذیرفت، در مسیر یکی از خیابان‌های دوگانه (اصلی) شهر امتداد می‌یافت و این امر باعث می‌گردید تأسیسات، اماکن و بنگاه‌های اقتصادی و مشاغل خدماتی وابسته و مرتبط با این فعالیت‌ها در امتداد آن راه‌ها برپا گردد. شکل صلیبی بسیاری از بازارهای شهرهای ایران براساس چنین روندی ظاهر شده بود.

به‌طور کلی به دلیل آن که شهر کانون عملیات مختلف تجاری و مبادله‌ای تجارت کاروانی با بازار منطقه شهری و سایر بازارهای محلی بود، با بروز تغییرات اساسی در حوزه‌های اقتصادی واقع در سرزمین ایران یا سرزمین‌های مجاور تأثیرگذاری مناسبات تجاری فرامنطقه‌ای در به‌وجود آوردن تغییرات شکلی در شهرها نوسان می‌یافت. هنگامی که مناسبات اقتصادی در یکی از حوزه‌های اقتصادی رشد پیدا می‌کرد افزایش مبادلات اقتصادی بین آن حوزه و سایر حوزه‌ها سبب می‌گردید فضاهای شهری در امتداد خطوط ارتباطی که آن حوزه را به سایر حوزه‌های اقتصادی وصل می‌کرد، گسترش پیدا نمایند. برای مثال هنگامی که راه تجاری خراسان به بندر هرمز در نتیجه تغییر و تحولات سیاسی و اقتصادی مهم قرون

شش و هفت هجری اهمیت بسیاری پیدا کرد، در شهری چون کرمان که در مسیر راه تجاری مزبور قرار داشت، رشد تراکم جمعیت، فعالیت اقتصادی و گسترش فضاهای مرتبط، در سمت محلات غربی شهر شتاب گرفت و موازی با آن روند برپایی شکل آغازین بازار قدیم کرمان در کنار محله «عادل شاه»، که در امتداد این راه واقع بود، نیز در جریان بود (پوراحمد 1374 جلد دوم: 52 - 81؛ درباره شهرری، کریمان 1345 جلد اول: 197؛ درباره لار، ضیاءتوانا 1380: 21 - 22).

نوع راهها در توسعه یا پیدایش شهرها تأثیرگذار بودند (خیرآبادی: 60 به بعد؛ و بازارها در دو طرف خیابانهای اصلی در شهرهای اسلامی آرایش می‌یافتند، عبدالستار عثمان 1376: 312 - 313).

7 - الگوی عمران «حومه» شهر و استقرار فضاهای شهری در باغها و مزارع مفرح واقع در پیرامون شهر نیز از جمله روشهایی بود که در روند ایجاد تغییر در شکل و کالبد برخی شهرها تأثیرگذار بود. احداث باغها و تفرجگاههای اعیان و اشراف در حومه شهر که توأم با بنیادگذاری برخی تأسیسات شهری در آن منطقه بود، شکل گسترش فضا و کالبد شهری را تحت تأثیر خود قرار می‌داد (در مورد شهر بخارا، نرشخی 1363: 40 - 41؛ شهر یزد، کاتب‌یزدی 1317: 80؛ در: قندیبه و سمریه (دو رساله در تاریخ مزارات و جغرافیای سمرقند)؛ 1367: 144).

یک نمونه از انجام چنین اقداماتی و نتایج آن در دوره سلجوقیان، حکایت زیر است: «سلطان محمدبن محمود سلجوقی بر در شهر همدان کوشکی بنا کرد و امراء وی آلات کوشکهای قدیم به این موضع نقل کردند و لشکرگاهی ساختند و کوشکهای بسیار بنا نهادند» (راوندی 1364: 265).

گونه دیگر این روال به صورت توجه ناگهانی جمعیت و ساخت و ساز اماکن مسکونی در یک منطقه از حومه شهری دیده می‌شد که در نتیجه آن استقرارگاه جدیدی در مجاورت شهر اصلی برپا شده و به تدریج به کالبد اصلی شهر پیوسته می‌شد (پوپ: 173 - 175).

گاه روال دیگر گسترش شکلی و کالبدی شهر در پی بنیادگذاری دیههایی در زمینهای حاصلخیز واقع در منطقه شهری متحقق می‌شد. در جریان رشد آن برخی از روستاهای مجاور شهر که توأم با توسعه کالبدی شهر از سوی دیگر بود، به تدریج واحدهای روستایی در کالبد شهر - به عنوان یک محله - ادغام می‌شد. برای مثال، در گزارش حاکم نیشابوری از



شهر نیشابور، بخشی اختصاص به ذکر «قری و قنواتی که بر حوالی شهر و قهندز بوده و به دلیل ازدیاد عمارات در شهر و سور، داخل شد و باغات و بساتین محلات شهر گشت» دارد. (حاکم نیشابوری 1377: 199). وی در جای دیگری می‌آورد که «... این مجموع قنوات و قری بود بر جوانب شهر، به کثرت عمارت همه محلات و کوچه‌ها شهر شد و باغات و بساتین و مقابر آن در محلات داخل گشت...» (همان: 200). در شهر یزد باغی را که احمدبن محمد زمجی در اوایل دوره عباسیان در اطراف شهر احداث کرده بود، در قرون بعدی «حال آن باغ به محله و خانه تبدیل شده، در داخل شهر» (کاتب‌یزدی 1317: 58 - 60؛ مقایسه با روال توسعه شهر دمشق در حومه آن، زیاده 1366: 83 - 97).

در برخی مواقع نیز بنا به ضرورت‌هایی که در اثر مشکلات به وجود آمده در روال زندگی شهرها بروز می‌کرد، اجرای برنامه‌های عمرانی و گسترش فضاهای ضروری برای رشد فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی در خارج از محیط شهری در دستور کار حکام قرار می‌گرفت. نمونه‌ای از چنین مشکلاتی در ادوار بعد و در دوره شاه عباس اول، در شهر اصفهان رخ داد و به مسئله حق مالکیت اراضی در قسمت قدیمی شهر و به ویژه مسئله موقوفات مرتبط می‌شد (مومنی 1377: 176).

### نتیجه‌گیری

در مطالعه حاضر، با عنایت به روش مطالعه ریخت شهر، تحلیل کالبد شهری و فهم مناسبات اجتماعی مسلط در شهر، که در نهایت روندهای ریخت‌زایی شهری را به سامان می‌آورد، موضوع علل بروز تغییرات در الگوی کالبدی و شکلی شهرهای ایرانی مورد بررسی قرار گرفت و دو دسته عامل در این تغییرات مورد توجه قرار گرفت: عوامل بیرونی مؤثر در ایجاد تغییر در شکل شهر (مانند حکومت، اراده نخبگان سیاسی - اداری شهری و...) و عوامل درونی شهر (مانند رشد مناسبات اقتصادی و اجتماعی شهری). نتایج مباحث چنین مشخص می‌نمایند که نمی‌توان تغییرات شکل شهری را تنها متأثر از تغییرات مناسبات درونی جامعه شهری دانست.

نتایج این بحث نشان می‌دهد کاربست روش ریخت‌شناسی شهری برای تحلیل مناسبات درونی جامعه شهری در ادوار قرون میانه تاریخ ایران باید جانب احتیاط را در نظر داشت و نقش عوامل بیرونی در ایجاد تغییرات در کالبد و فضای شهری را که در مطالعات



ریخت‌شناسی شهری کمتر به آن توجه می‌شود مدنظر قرار داد. در واقع، بنا به صورت‌بندی اجتماعی - اقتصادی جامعه ایران در سده‌های میانه، حکومت به منزله نیروی متفوق در جامعه، نقشی به مراتب فراتر از سایر ساختارهای جامعه برعهده داشت و براساس موقعیت فراساختاری که از آن برخوردار بود، در مناسبات اقتصادی و اجتماعی جامعه شهری و روستایی و حتی کوچرویی دخالت‌هایی می‌کرد که در تحلیل مناسبات شهری باید مورد توجه قرار گیرد.

## منابع

- این‌بلخی، 1374. فارسنامه، توضیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- این‌خلدون، ولی‌الدین عبدالرحمن بن محمد... بن عبدالرحمن، 1369. مقدمه و ترجمه محمد پروین گنابادی، جلد اول، چاپ هفتم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، جلد دوم، 1369. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- این‌رسته، احمدین عمر، 1380. *الاعلاق النفیسه*، ترجمه و تعلیق حسین قره‌چانلو، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- این‌فقیه، ابوبکر احمدین محمدین اسحاق همدانی، 1349. *ترجمه مختصرالبلدان*، ترجمه ح. مسعود، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابوعبدالله محمدین عبدالله بن حمدویه حاکم نیشابوری، 1357. *تاریخ نیشابور*، ترجمه محمدین حسین خلیفه نیشابوری، با مقدمه و تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگه.
- احسن، محمدمناظر، 1369. *زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اشپولر، بارتولد، 1368. *تاریخ مغول*، ترجمه محمود میرآفتاب، چاپ سوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- اشرف، احمد، 1353. "ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران"، *نامه علوم اجتماعی، مجله دانشکده علوم اجتماعی و تعاون*، تهران: دانشگاه تهران، دوره اول، شماره 4: 7 - 49.
- اعتضادی، لادن، 1374. "نیشابور (ابرشهر)، سیر تحول و اصول ساخت و سازمان شهری"، *صفه*، شماره 19 - 20: 21 - 35.

- اعتماد، گیتی و حسامیان، خسرو. 1363. شهرنشینی در ایران. تهران: آگاه.
- افسر، کرامت‌الله. 1347. تاریخ بافت قدیمی شیراز. چاپ دوم. تهران: نشر قطره - انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- افضل‌الدین کرمانی، ابوحامد بن‌حامد. 1373. سلجوقیان و غز در کرمان. تحریر میزرا محمدابراهیم خبیصی. مقدمه و تصحیح و تحشیه محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: کورش.
- امین، حسین. 1385. تاریخ العراق فی العصر السلجوقی. بغداد: مطبعه الارشاد.
- اهلرز، اکارت. 1373. "شهر شرق اسلامی - مدل و واقعیت"، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. تحریر جدید از محمدحسن ضیاء‌توانا و مصطفی مؤمنی. شماره یک: 27 - 65.
- اهلرس، اکارت. 1380. ایران (شهر، روستا، عشایر). ترجمه عباس سعیدی. تهران: نشر منشی.
- بارتولد، و. 1366. ترکستان‌نامه (ترکستان در عهد هجوم مغول). دو جلد. ترجمه کریم کشاورز. چاپ دوم. تهران: آگاه.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم. 1366. "کرمان"، شهرهای ایران. به کوشش محمدیوسف کیانی. تهران: سازمان انتشارات وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی. جلد دوم. 195-206.
- بنداری اصفهانی. 1356. تاریخ سلسله سلجوقی. ترجمه محمدحسین خلیلی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- بولت، ریچارد. "بازشناسی و جمعیت‌شناسی نیشابور قرون وسطایی"، آینده. ترجمه علی انوری. شماره 8: 512 - 512.
- بیانی (ندوشن)، شیرین. 1377. تیسفون و بغداد درگذر تاریخ. تهران: جامی.
- بیرشک، ثریا. 1383. "چگونگی روند توسعه و تکامل شکل‌گیری شهر کاشان در بستر تاریخ"، مجموعه مقالات تاریخ معماری و شهرسازی در ایران. جلد سوم. 383 - 340.
- پوپ، آرتور. "نقشه شهرها"، مجله آستان قدس. ترجمه محمدعلی صبوری. شماره 199: 4 - 160.
- پوراحمد، احمد. 1374. "ساخت و ساز فضایی سنتی شهر کرمان"، مجموعه مقالات دومین سمینار و دهه کرمان‌شناسی. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی. جلد دوم. 51 - 72.
- جانب‌اللهی فیروزآبادی، محمدسعید. 1374. "نقش قنات و شبکه زمین‌های زراعتی در معماری سنتی شهرهای حاشیه کویر (نمونه میبد)"، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. جلد اول. 375 - 383.

- جاویدان، محمدعلی. 1378. "کرخ، مرکز تشیع در بغداد،" وقف، میراث جاویدان. شماره 1 و 2: 122 - 131.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد. 1368. *اشکال العالم*. ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب. با مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری. مشهد: شرکت به نشر.
- حافظ ابرو. 1349. *جغرافیای حافظ ابرو، قسمت ربع خراسان، هرات*. به کوشش نجیب مایل هروی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- حیبی، حسن. 1378. *از شار تا شهر (تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، تفکر و تأثر)*. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.
- حسینی یزدی، محمد. 1326. *العراضه فی الحکایه السلجوقیه*. به کوشش کارل زوسهپایم. قاهره.
- حمدالله مستوفی قزوینی. 1362. *تاریخ گزیده*. به اهتمام عبدالحسین نوایی. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- \_\_\_\_\_ 1378. *نزه القلوب*. به تصحیح و تحشیه محمددبیر سیاقی. تهران: نشر طه.
- خواجه سمرقندی، ابوطاهر. 1367. *سمریه، (رساله در جغرافیای سمرقند)*. به کوشش ایرج افشار. تهران: مؤسسه فرهنگی جهانگیری.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین حسینی. 1372. *مآثرالملوک*. به ضمیمه خاتمه خلاصه الاخبار و قانون همایونی. به تصحیح میرهاشم محدث. تهران: رسا.
- خیرآبادی، مسعود. 1376. *شهرهای ایران*. مترجمان حسین حاتمی نژاد و عزت‌الله مافی. مشهد: نیکا.
- داب، موریس. 1379. *مطالعاتی در زاد و رشد سرمایه‌داری*. ترجمه حبیب‌الله تیموری. تهران: نشر نی.
- دروئو، ماکس. 1374. *جغرافیای انسانی*. ترجمه سیروس سپه‌امی. تهران: رایزن.
- دهستانی، حسین بن اسعد. 1355. *ترجمه فرج بعد از شدت*. جلد اول. مقابله و تصحیح اسماعیل حاکمی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران. 1360. جلد دوم. 1363. جلد سوم. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ذکاء، یحیی. 1374. "مفهوم دژ و ارگ یا هسته مرکزی ایجاد شهرها در ایران"، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. 5 جلد. به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: سازمان میراث فرهنگی. 209 - 224.
- \_\_\_\_\_ 1366. "تبریز"، *شهرهای ایران*. به کوشش محمدیوسف کیانی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. جلد سوم. 151 - 202.

- راوندی، محمدبن علی بن سلیمان. 1364. *راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق*. به سعی محمد اقبال. به انضمام حواشی و فهارس مجتبی مینوی. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- زیاده، نیکلا. 1366. *دمشق در عصر ممالیک*. ترجمه امیر جلال‌الدین اعلم. چاپ دوم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- سدیدالدین غزنوی، خواجه محمد. 1345. *مقامات ژنده پیل (احمد جام)*. با مقدمه توضیحات و فهارس حشمت‌الله مؤید سنندجی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- سلطان‌زاده، حسین. 1370. "واحدهای محله‌های مسکونی در شهرهای ایران"، *شهرهای ایران*. به کوشش محمد یوسف کیانی. جلد سوم. 350 - 419.
- \_\_\_\_\_ 1366. "نائین"، *شهرهای ایران*. به کوشش محمد یوسف کیانی. تهران: سازمان انتشارات وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی. جلد دوم. 232 - 275.
- \_\_\_\_\_ 1367. *مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران*. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- \_\_\_\_\_ 1372. "تاثیر اسلام در ساخت شهر"، *مجله معماری و شهرسازی*. شماره 25 - 26: 44 - 51.
- \_\_\_\_\_ 1377. *معماری و شهرسازی ایران به روایت شاهنامه فردوسی*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- \_\_\_\_\_ 1380. *بازارهای ایران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شکویی، حسین. 1374. *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*. دو جلد. چاپ دوم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- شیخلی، صباح‌ابراهیم سعید. 1362. *اصناف در عصر عباسی*. ترجمه هادی عالم‌زاده. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ضیاء‌توانا، محمدحسین. 1370. "محله، بافت و ساختار آن در شهرهای شرق اسلامی"، *مجله علوم زمین*، نشریه دانشکده علوم زمین. تهران: دانشگاه شهید بهشتی. دوره جدید. شماره 1: 173 - 199.
- ضیاء‌توانا، محمدحسین. 1380. *بازار قیصریه لار*. تهران: نشر نی.
- ظهیری نیشابوری، خواجه امام. 1332. *سلجوقنامه به همراه ذیل سلجوقنامه*. تألیف ابو‌حامد محمدبن ابراهیم. به اهتمام میرزا اسماعیل خان حمیدالملک افشار. تهران: کلاله‌خاور.
- عبدالستار عثمان، محمد. 1376. *مدینه اسلامی*. ترجمه علی چراغی. تهران: امیرکبیر.

- غزنوی، خواجه سدیدالدین محمد. 1340. مقامات ژنده پیل. به تصحیح، مقدمه و توضیحات حشمت‌الله مؤید سندی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- غفوروف، باباجان. 1337. تاجیکان؛ تاریخ قدیم، قرون وسطی و دوره نوین. جلد یک و دو. تاجیکستان: انتشارات عرفان.
- فخر مدیر، محمدین منصور مبارکشاه. 1346. آداب الحرب و الشجاعة. تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: اقبال.
- فرای، ریچارد نلسون. 1348. بخارا، دستاورد قرون وسطی. ترجمه محمود محمودی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- فهد، بدری محمد. 1387. العامه ببغداد فی القرن الخامس الهجرى. بغداد: مطبعه الارشاد.
- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود. 1373. آثار البلاد و اخبار العباد. ترجمه با اضافات جهانگیر میرزا قاجار. تصحیح و تکمیل میرهاشم محدث. تهران: امیرکبیر.
- کاتب یزدی، احمد بن حسین بن علی. 1317. تاریخ جدید یزد. یزد: گلپهار.
- کریمان، حسین. 1345. ری باستان. جلد اول. تهران: انجمن آثار ملی. جلد دوم. 1371. تهران: دانشگاه شهید بهشتی. بخش اول و دوم. چاپ دوم.
- کیانی، محمدیوسف. 1374. تاریخ هنر معماری ایرانی در دوره اسلامی. تهران: سمت.
- گرابر، اولگ - هیل. 1375. درک: معماری و تزئینات اسلامی. ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- لاپیدوس، ایرام. 1376. تاریخ جوامع اسلامی. جلد اول. از آغاز قرن هجدهم. جلد دوم. قرون نوزدهم و بیستم. ترجمه محمود رمضان‌زاده. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- لسترنج، گای. 1367. جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان. چاپ سوم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مجابی، مهدی. 1378. "نظریه توسعه تاریخی شهر قزوین، (بخش دوم)"، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. سه جلد. به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور. جلد دوم. 461 - 514.
- محمد بن منور بن ابی سعد بن ابی طاهر بن ابی سعید میهنی. 1361. اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید. چاپ پنجم. به اهتمام ذبیح‌الله صفا. تهران: امیرکبیر.

- معیری، هایده. 1371. "مرو کهن"، مجله تحقیقات تاریخی. شماره 6 - 7 : 70 - 7.
- مقدسی، ابوعبدالله محمدبن احمد. 1361. *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*. ترجمه علی نقی منزوی. دو جلد. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
- موسوی، احمد. 1376. "دژ شهرهای گرد ایرانی در عصر اوستا"، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. 5 جلد. به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: سازمان میراث فرهنگی. جلد اول. 481 - 487.
- مؤمنی، مصطفی. 1377. پایگاه علم جغرافیا در ایران؛ (پایگاه جغرافیای شهری در ایران). جلد اول. تهران: فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران.
- میرجعفری، حسین. 1361. *منازعات نعمتی و حیدری در ایران، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*. دوره دوم. شماره 1: 117 - 155.
- میشل، جورج (ویراستار). 1374. *پایتخت‌های ایران*. به کوشش محمد یوسف کیانی. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- \_\_\_\_\_ 1380. *معماری جهان اسلام - تاریخ و مفهوم اجتماعی آن*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: مولی.
- نرشخی، ابوبکر محمدبن جعفر. 1363. *تاریخ بخارا*. ترجمه ابونصر احمدبن محمدبن نصر القباوی. تلخیص محمدبن زفر بن عمر. تصحیح و تحشیه محمدتقی مدرس رضوی. چاپ دوم. تهران: توس.
- وهاب‌زاده، عبدالرحمان. 1374. "تاریخچه برج و باروی شهر تبریز"، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. جلد سوم. 71 - 88.
- یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابن عبدالله. 1347. *برگزیده مشترک یاقوت حموی*. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: ابن سینا.
- \_\_\_\_\_ 1380. *معجم البلدان*. ترجمه علی نقی منزوی. جلد اول. بخش نخست. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- یعقوبی، ابوالعباس احمدبن یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح کاتب عباسی. 1346. *ترجمه مختصر البلدان*. ترجمه ح. مسعود. تهران: شرکت ترجمه و نشر کتاب.
- \_\_\_\_\_ 1367. *قندیه و سمریه (دو رساله در تاریخ مزارات و جغرافیای سمرقند)*. به کوشش ایرج افشار. تهران: مؤسسه فرهنگی جهانگردی.

یوسفی فر، شهرام. 1384. "تأملی در مقوله شکل شهر در سده‌های میانه تاریخ ایران"، فرهنگ، ویژه تاریخ. شماره چهارم: 217 - 261.

Binanquis, T.H. and P. Guichard and A. Raymond and Sarab Atassi and others. "SUK", *Encyclopedia of Islam*. Vol. 6, pp: 780 - 801.

Northedge, Sur. 1997. *Encyclopedia of Islam*. Vol. 9. Brill. Liden, pp: 881-883.

Shahbazi, Shapur and Bosworth, Edmund. C: *Capital Cities*, "Islamic Times", *Encyclopedia of Iran*. vol. IV, pp: 771- 774.

